



A Reporting Framework for Management Commentary Reporting in Iran

Mohammad Namazi *

*Corresponding Author, Distinguished Prof., Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: mnamazi@rose.shirazu.ac.ir

Sasan Khademi

Ph.D., Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: s.khademi@shirazu.ac.ir

Abstract

Objective

With the rapid growth of the economy and the expanding role of the private sector, financial markets have gained increased importance. Among the factors influencing the efficiency of financial markets, how information is disseminated to various stakeholders plays a crucial role. The method of information transfer stands as a key component in shaping the efficiency of capital markets. Management Commentary (MC), serving as a supplementary report to companies' financial statements, holds a pivotal role in enhancing capital market transparency through the disclosure of both financial and non-financial information. The objective of this research is to formulate an MC framework and subject it to experimental testing utilizing quantitative data. It is to introduce, for the first time, an MC framework specifically tailored to the context of Iran.

Methods

This study adopts a mixed research methodology. Initially, qualitative content analysis was utilized, involving the comprehensive review of documents and studies pertaining to the IFRS Foundation in the domain of Management Commentary (MC), along with other relevant guidelines and reporting frameworks. This systematic examination facilitated the construction of the initial MC reporting framework and the formulation of pertinent

Citation: Namazi, Mohammad & Khademi, Sasan (2025). A Reporting Framework for Management Commentary Reporting in Iran. *Financial Research Journal*, 27(2), 438-484. <https://doi.org/10.22059/FRJ.2024.371819.1007566> (in Persian)



hypotheses. Subsequently, to adapt and present the MC reporting framework in the Iranian context, survey data, obtained through a researcher-designed questionnaire, was collected. Each sub-category of the reporting framework was assessed and ranked using the one-sample Wilcoxon signed-rank test, with the final ranking determined based on Friedman's test.

Results

Based on the findings of the qualitative section, the initial framework for MC comprises five key dimensions: Objectives, Qualitative Characteristics, Content Elements, Forward-Looking Information, and Information Related to the Long-Term Success of the Company. According to the findings of the quantitative section, none of these dimensions and their subcategories were rejected. Therefore, the MC reporting framework in Iran was structured across five dimensions as follows: 1. Objectives: comprising five distinct objectives, 2. Qualitative characteristics: encompassing eleven specific characteristics, 3. Content elements: consisting of six defined content elements, 4. Forward-looking information: comprising seven principles & 5. Information related to the long-term success of the company: categorized into six distinct areas. The relative importance of each dimension within the reporting framework is ranked as follows: 1. Objectives, 2. Qualitative characteristics, 3. forward-looking information, 4. Content elements, and 5. Information related to the long-term success of the company. Furthermore, the subcategories within each dimension of the reporting framework were also assessed and ranked according to their relative importance.

Conclusion

The suggested reporting framework has the potential to serve as a valuable reference for institutions and organizations responsible for formulating capital market regulations. This includes entities like Audit Organization and Securities & Exchange Organization. By utilizing this framework, these regulatory bodies can develop native standards and guidelines for the presentation of MC. Furthermore, companies can benefit from this framework when presenting their MC. This ensures a more tailored and effective approach to MC reporting within the context of the Iranian capital market.

Keywords: Objectives of management commentary, Qualitative characteristics of management commentary, Content elements of management commentary, Forward-looking information.

ارائه چارچوب گزارشگری برای گزارش تفسیری مدیریت در ایران

محمد نمازی*

* نویسنده مسئول، استاد ممتاز، بخش حسابداری، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mnamazi@rose.shirazu.ac.ir

ساسان خادمی

دکتری، بخش حسابداری، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: s.khademi@shirazu.ac.ir

چکیده

هدف: در دوران معاصر، با رشد روزافزون اقتصاد و گسترش بخش خصوصی، بازارهای مالی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در میان عوامل مؤثر بر کارایی بازارهای مالی، نحوه انتشار اطلاعات به ذی‌نفعان مختلف، نقشی تعیین‌کننده دارد. در حقیقت، روش انتقال اطلاعات یکی از اجزای اصلی کارایی بازار سرمایه به‌شمار می‌آید. گزارش تفسیری مدیریت، به‌عنوان گزارش مکمل صورت‌های مالی شرکت‌ها، در افزایش شفافیت بازار سرمایه با افشای اطلاعات مالی و غیرمالی شرکت‌ها نقش مهمی دارد. هدف این پژوهش، طراحی چارچوب گزارش تفسیری مدیریت و آزمون تجربی آن بر مبنای داده‌های کمی، به‌منظور ارائه چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت در ایران است که برای اولین بار انجام می‌شود.

روش: این پژوهش از روش تحقیق ترکیبی (آمیخته) استفاده می‌کند؛ از این رو ابتدا به‌شیوه تحلیل محتوای کیفی و بر مبنای کلیه اسناد و مدارک مربوط به مطالعات «بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی» در زمینه گزارش تفسیری مدیریت و همچنین، سایر رهنمودها و چارچوب‌های گزارشگری مرتبط، چارچوب اولیه گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت طراحی و فرضیه‌های مربوطه تدوین شدند. در ادامه، به‌منظور بومی کردن و ارائه چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت در ایران، داده‌های مربوط، به‌شیوه پیمایشی و بر مبنای پرسش‌نامه محقق ساخته، جمع‌آوری شد و هر یک از زیرمقوله‌های چارچوب گزارشگری با استفاده از آزمون تک‌نمونه‌ای ویلکاکسون تعیین و بر مبنای آزمون فریدمن رتبه‌بندی شدند.

یافته‌ها: بر مبنای یافته‌های بخش کیفی، چارچوب اولیه گزارش تفسیری مدیریت، مشتمل است بر پنج بُعد اهداف، ویژگی‌های کیفی، عناصر محتوایی، اطلاعات آینده‌نگرانه و اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت. همچنین، بر مبنای یافته‌های بخش کمی، هیچ یک از این ابعاد و زیرمقوله‌های آن‌ها رد نشدند؛ از این رو چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت ایران، در قالب پنج بُعد طراحی شد. این ابعاد عبارت‌اند از: ۱. اهداف، در قالب پنج هدف؛ ۲. ویژگی‌های کیفی، در قالب یازده ویژگی؛ ۳. عناصر محتوایی، در قالب شش عنصر محتوایی؛ ۴. اطلاعات آینده‌نگرانه، در قالب هفت اصل؛ ۵. اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت، در قالب شش مقوله. همچنین، اهمیت نسبی هر یک از ابعاد چارچوب گزارشگری به‌ترتیب عبارت است از: ۱. اهداف؛ ۲. ویژگی‌های کیفی؛ ۳. اطلاعات آینده‌نگرانه؛ ۴.

استناد: نمازی، محمد و خادمی، ساسان (۱۴۰۴). ارائه چارچوب گزارشگری برای گزارش تفسیری مدیریت در ایران. *تحقیقات مالی*، ۲۷(۲)، ۴۳۸ - ۴۸۴.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱

doi: <https://doi.org/10.22059/FRJ.2024.371819.1007566>

تحقیقات مالی، ۱۴۰۴، دوره ۲۷، شماره ۲، صص. ۴۳۸ - ۴۸۴

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

عناصر محتوایی؛ ۵. اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت. افزون‌براین، زیرمقوله‌های هر یک از ابعاد چارچوب گزارشگری نیز بر مبنای اهمیت نسبی‌شان رتبه‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: چارچوب گزارشگری پیشنهادی این پتانسیل را دارد که به‌عنوان مرجعی ارزشمند برای نهادهای ناظر و تدوین مقررات بازار سرمایه، مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس و اوراق بهادار مورد بهره‌برداری قرار گیرد. با استفاده از این چارچوب، این نهادهای نظارتی می‌توانند استانداردها و رهنمودهای بومی را برای ارائه گزارش تفسیری مدیریت تدوین کنند. همچنین شرکت‌ها می‌توانند هنگام ارائه گزارش تفسیری مدیریت، از این چارچوب بهره‌برند. این امر رویکرد مناسب‌تر و مؤثرتری را برای گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت، در چارچوب بازار سرمایه ایران تضمین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اهداف گزارش تفسیری مدیریت، ویژگی‌های کیفی گزارش تفسیری مدیریت، عناصر محتوایی گزارش تفسیری مدیریت، اطلاعات آینده‌نگرانه، اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت.

مقدمه

در عصر کنونی هم‌زمان با پیشرفت اقتصاد و گسترش بخش خصوصی، بازارهای مالی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. یکی از عوامل مؤثر بر کارایی بازارهای مالی را می‌توان چگونگی انتقال اطلاعات به ذی‌نفعان مختلف دانست (هو و ونگ^۱، ۲۰۰۱). چگونگی انتقال اطلاعات در حقیقت یکی از اجزای اصلی کارایی بازار اوراق بهادار است (نمازی و شوشتریان، ۱۳۷۴). در این رابطه، از آنجا که مدیران به اطلاعات مختلفی از شرکت مانند عملکرد آتی آن دسترسی دارند، عدم دسترسی سایر ذی‌نفعان مانند سرمایه‌گذاران و بستانکاران مسئله عدم تقارن اطلاعاتی را به‌وجود آورده است که پیامدهایی چون انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی را به همراه دارد (اسکات^۲، ۲۰۱۵). همچنین در چنین شرایطی، نقدشوندگی اوراق بهادار کمتر و هزینه دادرسی آن‌ها بیشتر است و سرمایه‌گذاران نیز به خرید آن‌ها تمایل کمتری دارند. افشای اطلاعات راه کار مناسبی به‌منظور کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش مسئله نمایندگی است (کرمی و صدیقی خویدک، ۱۳۹۴). در حقیقت، افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران یا دیگر ذی‌نفعان، موجب افزایش اعتماد، بهبود نقدشوندگی سهام و کاهش هزینه سرمایه شود (دیاموند و ورکچیا^۳، ۱۹۹۱؛ میک، روبرتز و گری^۴، ۱۹۹۵ و کریستندل و بونتیس^۵، ۲۰۰۷) شرکت‌ها این افشا را از طریق گزارش‌های مالی ضابطه‌مند که شامل صورت‌های مالی، یادداشت‌های پیوست، گزارش بحث و تحلیل مدیریت^۶ و سایر الزامات افشا است، فراهم می‌کنند. همچنین ممکن است که شرکت‌ها از طریق مواردی همچون ارائه گزارش‌های تحلیلی و پیش‌بینی‌های مدیریت، تماس‌های کنفرانسی^۷، بیانیه‌های مطبوعاتی^۸، سایت‌های اینترنتی و سایر گزارش‌های شرکتی، به افشای داوطلبانه بپردازند. افزون‌براین، انتشار اطلاعات ممکن است از طریق واسطه‌های اطلاعاتی همچون تحلیلگران مالی، کارشناسان صنعت و مطبوعات مالی نیز انجام پذیرد (هلی و پالپو^۹، ۲۰۰۱).

هم‌زمان با تلاش‌های جهانی به‌منظور ارائه استاندارد، رهنمود و چارچوب‌های گزارشگری مرتبط با افشای اختیاری و اجباری اطلاعات، «بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی»^{۱۰}، در سال ۲۰۱۰، بیانیه حرفه‌ای ارائه گزارش تفسیری مدیریت^{۱۱} را با عنوان «گزارش تفسیری مدیریت: چارچوبی برای ارائه^{۱۲}» منتشر کرد. طبق بند شماره ۳ این بیانیه، گزارش تفسیری مدیریت به‌صورت توصیفی^{۱۳} و مکمل و متمم صورت‌های مالی و شرحی روایت‌گرانه از دیدگاه مدیران است که زمینه را برای تفسیر وضعیت و عملکرد مالی و جریان‌های نقد واحد تجاری فراهم می‌آورد و به‌عنوان

1. Ho & Wong
2. Scott
3. Diamond & Verrecchia
4. Meek, Roberts & Gray
5. Kristandl & Bontis
6. Management Discussion and Analysis (MD&A)
7. Conference Calls
8. Press Releases
9. Healey & Palepu
10. International Financial Reporting Standards (IFRS) Foundation
11. Management Commentary (MC)
12. Management Commentary: a framework for presentation
13. Narrative

مبنایی برای تشریح اهداف مدیریت و استراتژی به کار گرفته شده در جهت دستیابی به آن اهداف، نیز عمل می‌کند (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۱، ۲۰۱۰). در حقیقت، طبق این بیانیه، گزارش تفسیری مدیریت به‌عنوان یکی از گزارش‌های مکمل صورت‌هایی است که می‌تواند به افشای هرچه بیشتر اطلاعات شرکت‌ها در جهت تأمین منافع استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان) کمک کند. این بنیاد در سال ۲۰۱۷ پروژه به‌روزرسانی بیانیه گزارش تفسیری مدیریت را در دستور کار خود قرار داد تا وجود شکاف‌های جدی در بیانیه سال ۲۰۱۰، اهمیت تفسیر بهتر صورت‌های مالی، ضرورت ارائه اطلاعات تکمیلی به‌منظور پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های درازمدت، ضرورت توجه به مسائل مهمی چون منابع و روابط نامشهود کسب‌وکار و گنجاندن پیشرفت‌های مربوط از دیگر چارچوب‌های گزارشگری (مانند گزارشگری پایداری) را پوشش دهد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ الف).

با اقتباس از بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، گزارش تفسیری مدیریت در ایران از سال ۱۳۹۶ و با هدف ارائه اطلاعات سودمند به استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی و افزایش نقدشوندگی سهام شرکت‌ها، طبق الزام سازمان بورس و اوراق بهادار، جایگزین گزارش پیش‌بینی سود شد (جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۹۶). با وجودی که چندین سال از تهیه این گزارش توسط ناشران بورسی می‌گذرد، به اعتقاد کارشناسان، این گزارش تاکنون از کیفیت لازم برخوردار نبوده و هیچ‌گونه نظارتی نیز توسط نهادهای استانداردها بر تهیه این گزارش‌ها وجود نداشته است. این موضوع می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم تمایل کافی سرمایه‌گذاران به استفاده از این گزارش باشد (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹).

همچنین در زمینه تهیه این گزارش، مدیران شرکت‌ها بیشتر به اقدام‌های رافع مسئولیت و رفع تکلیف بسنده کرده‌اند و با کلی‌گویی، جمله‌های مبهم و غیرکارشناسی و بیان تکراری اطلاعات مندرج در سایر گزارش‌های مالی این گزارش را تهیه می‌کنند. افزون‌براین، کیفیت آن‌ها پایین است. این امر به دلیل بیان ناکافی اطلاعات و شاخص‌های غیرمالی، بیان نامناسب و ناکافی اطلاعات آینده‌نگرانه، افشای ناکافی ریسک‌ها و مدیریت ریسک و بی‌توجهی به جنبه‌های زیست‌محیطی و اجتماعی است (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹). یافته‌های تجربی برجانه، رحیمیان و باقری (۱۴۰۱) مبنی بر پایین بودن میزان انطباق سطح افشا در گزارش تفسیری مدیریت شرکت‌ها با الزامات تهیه این گزارش و یافته‌های مسعودیان و همکاران (۱۴۰۲) مبنی بر پایین بودن بار اطلاعاتی اطلاعات آینده‌نگرانه این گزارش را می‌توان به‌عنوان شواهدی تجربی از این موضوع دانست. برجانه و همکارانش (۱۴۰۱) مواردی همچون بیان خلاصه مطالب در زمینه ماهیت کسب‌وکار و ریسک‌ها، بیان اطلاعات ناقص و ضعیف در زمینه اهداف و راهبردها، افشای ناکافی اطلاعات غیرمالی و آینده‌نگرانه و عدم بیان اطلاعات کافی در زمینه تعریف معیارها و شاخص‌های عملکردی و هرگونه تغییرات آن‌ها را از جمله مهم‌ترین موارد ضعف در زمینه تهیه این گزارش توسط شرکت‌ها برشمردند.

از سوی دیگر، بررسی ضوابط تهیه این گزارش نیز نشان می‌دهد که این ضوابط لزوماً رهنمود کافی و مناسبی در

خصوص رفع بسیاری از این مشکلات ندارند. برای نمونه، این ضوابط بیانگر رهنمودهای بسیار کلی برای تهیه این گزارش هستند و مصادیق افشای مناسب را برای تهیه گزارش ارائه نمی‌دهند (نمازی و خادمی، ۱۴۰۲). همچنین این ضوابط رهنمود خاصی در زمینه ارائه اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ندارد، در حالی که این ضوابط برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان اهمیت دارد و این موضوع یکی از دلایل بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای تجدیدنظر در بیانیه کنونی و اضافه کردن رهنمودهای مرتبط با گزارش‌های پایداری است (ارنست و یانگ^۱، ۲۰۲۱). بررسی دلایل و چرایی توجه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به پروژه به‌روزرسانی و تجدیدنظر در بیانیه سال ۲۰۱۰ که قبلاً بیان شد، نیز این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهد. افزون‌براین، راهنمای ضوابط تهیه این گزارش (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۶) به‌صورت کامل، الگوبرداری از رهنمود سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه این گزارش بوده است و بر هیچ نوع پژوهش داخلی و متناسب با شرایط محیطی ایران متکی نیست. تدوین ضوابط تهیه این گزارش توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، انتقاد بسیاری از کارشناسان را به‌دلیل دخالت این سازمان در وظایف سازمان حسابرسی کشور نیز در پی داشته است (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹).

با توجه به آنچه بیان شد، ضمن اینکه به نظر می‌رسد شرکت‌ها رهنمود کنونی گزارش تفسیری مدیریت را به‌خوبی اجرا نمی‌کنند (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹؛ برجانه و همکاران، ۱۴۰۱ و مسعودیان، احدی سرکانی، محمودی و قویدل دوست کویی، ۱۴۰۲)، به رهنمود کنونی نیز نقدهای زیادی چون کلی‌گویی در مفاد آن؛ کپی برداری از بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و بی‌توجهی به الگوی بومی و مناسب کشور (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹؛ نمازی و خادمی، ۱۴۰۲)؛ به‌روز نبودن و قدیمی بودن آن؛ بی‌توجهی به ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه (مینوسیسی^۲، ۲۰۱۳) و همچنین بی‌توجهی به سایر جوانب چون اطلاعات پایداری و منابع و روابط نامشهود به‌منظور پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های بلندمدت (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ الف) وارد است. از این‌رو لزوم وضع استاندارد یا رهنمودهای متناسب با شرایط محیطی ایران مطرح می‌شود. اهمیت این موضوع، به‌ویژه با توجه به یافته‌های آلوارز، کالوو و مورا^۳ (۲۰۱۴) که استفاده از نظرهای دانشگاهی را در فرایند ارائه بیانیه گزارش تفسیری مدیریت توسط بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ضروری، اما غایب دانستند، بیش از پیش روشن می‌شود. پژوهش پیش رو قصد دارد تا چارچوب گزارشگری مناسب و به‌روز شده با آخرین پیشرفت‌ها، به‌ویژه یافته‌های اخیر بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را برای ارائه گزارش تفسیری مدیریت در ایران ارائه کند. به‌گونه دقیق‌تر، این پژوهش قصد دارد تا به پرسش‌های بعدی پاسخ دهد:

۱. بر مبنای یافته‌های کیفی، چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت شامل چه ابعادی است و هر یک از ابعاد این چارچوب، شامل چه عناصر و مواردی است؟
۲. بر مبنای یافته‌های بخش کمی، چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت در ایران شامل چه ابعاد و

1. Ernst & Young

2. Menicucci

3. Alvarez, Calvo & Mora

عناصری است و اهمیت نسبی ابعاد چارچوب گزارشگری و عناصر زیر مجموعه آن‌ها نسبت به یکدیگر چگونه است؟

هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش‌ها به‌منظور ارائه چارچوب گزارشگری به‌روز، برای تهیه گزارش تفسیری مدیریت و ارائه مدارک تجربی در زمینه آن‌هاست. اهمیت این پژوهش این است که برای اولین بار چارچوب علمی گزارشگری را برای گزارش تفسیری مدیریت در ایران ارائه می‌دهد که می‌تواند مورد استفاده نهادهای ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه، مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار در تدوین هرگونه رهنمود و ضوابط مربوط به تهیه گزارش تفسیری مدیریت قرار گیرد تا نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان) به‌گونه‌ای مناسب‌تر تأمین شود.

در ادامه پژوهش، ابتدا مبنای نظری و پیشینه پژوهش و سپس روش‌شناسی و یافته‌های بخش کیفی و کمی پژوهش بیان می‌شود. در نهایت نیز بحث و نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش بیان خواهد شد.

مبانی نظری پژوهش

افشا و گزارش تفسیری مدیریت

افشای شرکتی^۱ برای رشد و توسعه یک شرکت، به‌گونه خاص و بازار سرمایه به‌صورت عام اهمیت بسیار دارد (اخترودین و هارون^۲، ۲۰۱۰). سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل، مهم‌ترین گروه فعال در بازار سرمایه بوده که تصمیم‌گیری صحیح آن‌ها بر پایه اطلاعات صحیح و به‌موقع، در هدایت سرمایه‌ها و تخصیص بهینه آن‌ها نقش بسزایی دارد (رمضانی زارع و همکاران، ۱۴۰۲). تجربه در کشورهایی با بازارهای سهام بزرگ و فعال نشان می‌دهد که افشا می‌تواند ابزار قدرتمندی برای تأثیرگذاری بر رفتار شرکت‌ها و حمایت از سرمایه‌گذاران باشد. یک سیستم افشای قوی، می‌تواند به جذب سرمایه و حفظ اعتماد در بازارهای سرمایه کمک کند. در مقابل، افشای ضعیف و شیوه‌های غیرشفاف، می‌تواند موجب بروز عدم تقارن اطلاعاتی، رفتار غیراخلاقی و از دست دادن یکپارچگی بازار با هزینه‌های گزاف، نه فقط برای شرکت و سهامداران آن، بلکه کل اقتصاد شود (نمازی، ۱۹۸۵ و نمازی و رضایی، ۲۰۱۶). سهامداران و سرمایه‌گذاران بالقوه نیاز به دسترسی به اطلاعات منظم، قابل اعتماد و قابل مقایسه با جزئیات کافی دارند تا بتوانند میزان مباشرت مدیریت را ارزیابی کنند و تصمیمات آگاهانه‌ای در خصوص ارزش‌گذاری، مالکیت و رأی دادن به سهام بگیرند. اطلاعات ناکافی یا نامشخص ممکن است عملکرد بازارها را مختل کند، هزینه سرمایه را افزایش دهد و به تخصیص ضعیف منابع منجر شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، ۲۰۰۴).

در سال ۲۰۰۲، «هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری»^۴، پروژه تدوین گزارش تفسیری مدیریت را به‌منظور

1. Corporate Disclosure

2. Akhtaruddin & Haron

3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

4. International Accounting Standards Board (IASB)

افشای بیشتر و تأمین شفافیت بیشتر بازارهای سرمایه در جهت تأمین منافع استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی (سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان) شروع کرد. دیدگاه هیئت در این پروژه این بود که گزارش تفسیری مدیریت، باید مکمل و متمم صورت‌های مالی باشد، تحلیل‌هایی را در رابطه با واحد تجاری با توجه به دیدگاه مدیریت فراهم کند و از جهت‌گیری آینده‌نگر نیز برخوردار باشد (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۵). در نهایت، در سال ۲۰۱۰، بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بیانیه‌ای را در زمینه ارائه رهنمودهای مرتبط با تهیه گزارش تفسیری مدیریت منتشر کرد. این بیانیه در حقیقت یک استاندارد حسابداری نبود و تنها چارچوبی غیرالزام‌آور را برای ارائه گزارش تفسیری مدیریت توسط شرکت‌ها ارائه می‌کرد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰). این بنیاد از سال ۲۰۱۷ با توجه به ضرورت بازنگری در بیانیه سال ۲۰۱۰ گزارش تفسیری مدیریت، پروژه به‌روزرسانی این بیانیه و انجام مطالعات در این زمینه را شروع کرده و حال حاضر مشغول انجام کار روی این پروژه است. گزارش تفسیری مدیریت تحت عناوین مختلفی از جمله گزارش بحث و تحلیل مدیریت، گزارش مدیریتی^۱، گزارش بررسی عملیاتی و مالی^۲ و گزارش استراتژیک^۳ نیز شناخته می‌شود (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۳).

در ایران، سازمان بورس اوراق بهادار، از دی ماه ۱۳۹۶، ارائه گزارش تفسیری مدیریت را برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های پذیرفته شده در بازارهای اول و دوم فرابورس الزامی کرد؛ از این‌رو این شرکت‌ها مکلف شدند تا گزارش تفسیری مدیریت را طبق ضوابط تعیین شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهیه و همراه با صورت‌های مالی در بازه‌های زمانی سه ماهه، شش ماهه و نه ماهه و سالانه ارائه کنند (جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۹۶).

اهداف گزارش تفسیری مدیریت

«هدف از گزارشگری مالی با مقاصد عمومی، ارائه اطلاعات مالی در خصوص واحد گزارشگر، به‌نحوی است که برای سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، وام‌دهندگان و سایر اعتباردهندگان در تصمیم‌گیری مرتبط با تأمین منابع واحد تجاری مفید واقع شود» (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ ب). در جهت تأمین اطلاعات مناسب برای تصمیم‌گیری، بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هدف از ارائه گزارش‌های مالی را کمک به بهبود ارزیابی استفاده‌کنندگان اصلی این گزارش‌ها از چشم‌انداز خالص جریان‌های نقد آتی و میزان مباشرت مدیریت بیان می‌کند. از این‌رو، هم صورت‌های مالی و هم گزارش تفسیری مدیریت باید هدفشان کمک به استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی در ارزیابی چشم‌انداز جریان‌های نقد آتی و ارزیابی مباشرت مدیریت باشد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۰ الف). در این رابطه، برخلاف صورت‌های مالی که هدفش فراهم کردن اطلاعات مفید درباره دارایی‌ها، بدهی‌ها، حقوق صاحبان سهام، درآمدها و هزینه‌هاست، هدف گزارش تفسیری مدیریت فراهم کردن اطلاعات و تحلیل‌های مفید به‌منظور افزایش درک استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی از عملکرد و وضعیت ترسیم شده در

1. Management Report

2. Operating and Financial Review (OFR)

3. Strategic Report

صورت‌های مالی و همچنین، ایجاد بینش به عواملی است که بر چشم‌انداز آینده شرکت تأثیرگذارند (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۰ الف). همچنین طبق پیش‌نویس اخیر این بنیاد در زمینه بیانیه بازنگری شده ارائه گزارش تفسیری مدیریت، اهداف ارائه این گزارش بر فراهم کردن اطلاعاتی است که موجب شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در ایجاد ارزش و تولید جریان‌های نقد در همه افق‌های زمانی، من جمله دوره‌های بلندمدت شود (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱).

ویژگی‌های کیفی گزارش تفسیری مدیریت

ویژگی‌های کیفی اطلاعات قابل گزارش اهمیت دارند (وانگ و استرانگ^۱، ۱۹۹۶). هدف اصلی ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی، فراهم کردن اطلاعات سودمند برای استفاده‌کنندگان است (آقایی و رحمانی، ۱۳۹۲). طبق چارچوب مفهومی گزارشگری مالی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (۲۰۱۸) ویژگی‌های کیفی شامل دو دسته کلی ویژگی‌های کیفی بنیادی^۲ و ویژگی‌های کیفی بهبوددهنده^۳ است. ویژگی‌های کیفی بنیادی، ویژگی مربوط بودن و ارائه صادقانه را شامل می‌شود (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ ب). طبق این چارچوب، اطلاعاتی مربوط است که باعث تغییر در تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان شود؛ از این‌رو، این اطلاعات باید از خاصیت پیش‌بینی‌پذیری، تأییدکنندگی یا هر دو برخوردار باشد. همچنین، در این چارچوب، «اهمیت» به‌عنوان بخشی از ویژگی مربوط بودن محسوب شده است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ ب). طبق ویژگی ارائه صادقانه، اطلاعات باید صادقانه و گویای محتوایی باشد که ادعا می‌کند نشان می‌دهد؛ از این‌رو اطلاعات باید تا حد ممکن کامل، بی‌طرف و عاری از خطا باشد. همچنین ویژگی‌های بهبوددهنده اطلاعات شامل ویژگی‌های مقایسه‌پذیری، قابلیت راستی‌آزمایی، به‌موقع بودن و قابل فهم بودن می‌شود (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ ب). افزون‌براین موارد، بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در پژوهش‌های اخیر خود انسجام توصیفی^۴ را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مهم به‌منظور بهبود انسجام در محتوای اطلاعاتی گزارش تفسیری مدیریت برشمرده است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۹ الف). آلاوارز و همکاران (۲۰۱۴) اظهار کردند که به اعتقاد اکثر خبرگان، ویژگی‌های کیفی اشاره شده در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی برای گزارش تفسیری مدیریت نیز کاربرد دارد.

1. Wang & Strong

2. Fundamental Qualitative Characteristics

3. Enhancing Qualitative Characteristics

۴. منظور از انسجام توصیفی (Narrative Coherence) این است که اگر مدیریت ارائه اطلاعاتی را در بخشی از گزارش تفسیری مدیریت ضروری می‌داند، باید در نظر بگیرد که چه اطلاعاتی لازم است در سایر عناصر محتوایی گزارش تفسیری مدیریت در رابطه با این موضوع ارائه شود. برای نمونه، چنانچه ویژگی‌ای از استراتژی شرکت که استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی نیازمند دریافت اطلاعات در رابطه با آن هستند، در گزارش تفسیری مدیریت ارائه شود، مدیریت باید سایر اطلاعات مرتبط با آن را در عناصر محتوایی الگوی کسب‌وکار، محیط برون‌سازمانی، منابع و روابط، ریسک‌ها و عملکرد و وضعیت شناسایی و افشا کند.

عناصر محتوایی گزارش تفسیری مدیریت

از سال ۱۹۸۰، الزامات مربوط به تهیه گزارش بحث و تحلیل مدیریت در ایالات متحده، حداقل افشای مربوط به سه عنصر نقدینگی، منابع سرمایه و نتایج عملیات را از دیدگاه مدیریت شامل می‌شود. همچنین شرکت‌ها باید سایر اطلاعاتی را که برای درک و ارزیابی شرکت ضروری است، در این گزارش ارائه کنند. افزون‌براین، از سال ۲۰۰۳، شرکت‌ها باید رویدادهای خارج از ترازنامه را به پیروی از قانون ساربینز - اکسلی^۱ در گزارش بحث و تحلیل مدیریت افشا کنند (هوفنر^۲، ۲۰۰۷). الزامات مربوط به تهیه گزارش بررسی عملیاتی و مالی در انگلستان نشان می‌دهد که شرکت‌ها ملزم به ارائه اطلاعات در خصوص مواردی همچون ۱. ماهیت کسب‌وکار؛ ۲. توسعه و عملکرد کسب‌وکار؛ ۳. منابع، روابط و ریسک‌ها و عدم قطعیت‌های اساسی و ۴. وضعیت کسب‌وکار هستند. همچنین الزامات تهیه گزارش مدیریتی در آلمان حاکی از ارائه اطلاعات در زمینه ۱. کسب و کار و محیط عملیاتی؛ ۲. نتایج عملیات؛ ۳. وضعیت مالی؛ ۴. دارایی‌های خالص؛ ۵. گزارشگری ریسک؛ ۶. گزارش در رابطه با رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه و ۷. گزارش در رابطه با توسعه‌های پیش‌بینی شده است (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۵).

طبق بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، در زمینه ارائه گزارش تفسیری مدیریت، شرکت‌هایی که قصد دارند گزارش تفسیری مدیریت را به‌عنوان مکمل صورت‌های مالی خود ارائه کنند، لازم است اطلاعات موجود در این گزارش را در قالب پنج عنصر محتوایی بعدی ارائه کنند: ۱. ماهیت کسب‌وکار؛ ۲. اهداف و راهبردها؛ ۳. منابع، ریسک‌ها و روابط؛ ۴. نتایج و چشم‌اندازها و ۵. شاخص‌ها و معیارهای عملکرد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰). همچنین بررسی رهنمود تهیه و افشای گزارش بحث و تحلیل مدیریت در کانادا، حاکی از شباهت زیاد عناصر محتوایی این گزارش با بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. بر مبنای این رهنمود، عناصر گزارش بحث و تحلیل مدیریت شامل: ۱. کسب‌وکارهای اصلی؛ ۲. اهداف و استراتژی‌ها؛ ۳. منابع، روابط و ریسک‌ها؛ ۴. نتایج و چشم‌انداز و ۵. شاخص‌ها و معیارهای کلیدی عملکرد می‌شود (انجمن حسابداران رسمی کانادا، ۲۰۱۴). در سال ۲۰۱۷ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پروژه به روزرسانی بیانیه سال ۲۰۱۰ گزارش تفسیری مدیریت را که هنوز نیز به سرانجام نرسیده است، آغاز کرد. بررسی اسناد مطالعاتی این پروژه نشان می‌دهد که عناصر محتوایی پیشنهادی این بنیاد در ابتدا شامل چهار عنصر ۱. الگوی کسب‌وکار؛ ۲. استراتژی؛ ۳. ریسک و محیط عملیاتی و ۴. عملکرد، وضعیت و پیشرفت است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۹ ب)؛ اما در حال حاضر این عناصر بر مبنای پیش‌نویسی که این بنیاد در اواخر سال ۲۰۲۱ ارائه کرد به شش عنصر شامل: ۱. الگوی کسب‌وکار؛ ۲. استراتژی؛ ۳. منابع و روابط؛ ۴. ریسک‌ها؛ ۵. محیط برون سازمانی و ۶. عملکرد و وضعیت مالی تغییر یافته است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱). در ایران رهنمود ارائه شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار در زمینه گزارش تفسیری مدیریت، برگرفته از بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری

1. Sarbanes-Oxley Act

2. Hufner

3. Core Businesses

مالی است. از این رو عناصر این گزارش شامل این موارد می‌شوند: ۱. ماهیت کسب و کار ۲. اهداف و راهبردها ۳. منابع، ریسک‌ها و روابط ۴. نتایج و چشم‌اندازها ۵. شاخص‌ها و معیارهای عملکرد (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ الف).

ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه^۱ در گزارش تفسیری مدیریت

شکاف گزارش‌گرایی میان انتظارات سرمایه‌گذاران و واحد تجاری، افشای اطلاعات درباره وضعیت آتی شرکت‌ها را به امری مهم جهت تسهیل فرایند تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است (تفتیان و سالاری ابرقویی، ۱۴۰۲). امروزه به واسطه الزامات نظارتی، رهنمودها و رویه‌های موجود، شرکت‌ها در سرتاسر جهان، به‌طور فزاینده‌ای تشویق می‌شوند تا بر ارائه جهت‌گیری آینده‌نگرتر در گزارش‌دهی خود تأکید کنند (پرایس واترهوس کوپرز^۲، ۲۰۲۱). همچنین نهادها، مجامع و تدوین‌کنندگان مقررات بازار سرمایه در سراسر جهان، به اهمیت افشای اطلاعات آینده‌نگرانه برای اثربخشی بازار سرمایه اعتراف کرده‌اند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۱۹۹۴؛ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گرایی مالی، ۲۰۱۰؛ هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۵؛ انجمن حسابداران رسمی کانادا، ۲۰۱۴).

طبق بیانیه حرفه‌ای ارائه گزارش تفسیری مدیریت بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گرایی مالی (۲۰۱۰)، اطلاعات آینده‌نگر، اطلاعاتی در خصوص آینده هستند و به ارزیابی چشم‌انداز آتی شرکت کمک می‌کنند. این اطلاعات شامل اطلاعاتی درباره آینده (به‌طور مثال، اطلاعاتی درباره چشم‌اندازها و برنامه‌ها) است که ممکن است بعدها به‌عنوان اطلاعات تاریخی (نتایج واقعی) ارائه شوند. این اطلاعات ذهنی هستند و تهیه آن‌ها نیازمند به‌کارگیری قضاوت حرفه‌ای است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گرایی مالی، ۲۰۱۰). براساس این بیانیه، مدیریت می‌تواند اطلاعات آینده‌نگرانه را در قالب گزارش‌های توصیفی یا داده‌های کمی ارائه کند. در این رابطه لازم است که مدیریت مفروضات استفاده شده در ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه را نیز افشا کند. افزون‌براین، چنانچه عملکرد واقعی با اهداف اعلام شده قبلی تفاوت داشته باشد، مدیریت باید دلایل و چرایی این انحراف‌ها و پیامدهای انحراف‌ها را تشریح کند (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گرایی مالی، ۲۰۱۰). همچنین در ایران ضوابط مربوط به ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه در گزارش تفسیری مدیریت، شبیه بیانیه حرفه‌ای سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گرایی مالی است؛ با وجود این در راهنمای به‌کارگیری ضوابط گزارش تفسیری مدیریت بر بیان عدم قطعیت‌ها در مورد اطلاعات آینده‌نگرانه نیز تأکید شده است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ ب).

ارائه اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت در گزارش تفسیری مدیریت

سرمایه‌گذاران و بستانکاران، به‌گونه فزاینده‌ای اطلاعات مربوط به مواردی را که می‌توانند چشم‌اندازهای درازمدت واحد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند، درخواست می‌کنند. به‌گونه ویژه، این تقاضا برای کسب اطلاعات در مورد منابع و روابط نامشهود و همچنین مسائل اجتماعی، محیطی و حاکمیتی^۳، به‌منظور تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت است (بنیاد

1. Forward Looking Information

2. Price Waterhouse Coopers (PWC)

3. Environmental, Social, and Governance (ESG)

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۰ ب). بررسی ادبیات پیشین مرتبط با منابع و روابط نامشهود حاکی از اهمیت زیاد آن است. برای نمونه، به اعتقاد هیت، بیرمن، شیمیزو و کوچار^۱ (۲۰۰۱؛ ۱۴) «منابع نامشهود بیش از منابع مشهود احتمال ایجاد مزیت رقابتی را دارند». همچنین «تیس»^۲ (۲۰۰۰) بر این باور است که عملکرد یک شرکت بستگی به توان حفظ دارایی‌های نامشهود (همچون دانش) و استفاده بهینه از آن‌ها دارد» (حاجی پور، نظریور کاشانی و سوداگر، ۱۳۹۳؛ ۱۱۹). در نتیجه، اخیراً در جهت انجام پژوهش‌های مربوط به ارائه اطلاعات بهتر در مورد منابع و روابط نامشهود، تلاش‌هایی صورت گرفته است. برای نمونه، پروژه تحقیقاتی اخیر گروه مشورتی گزارشگری مالی اروپا^۳، در خصوص ارائه بهتر اطلاعات مربوط به منابع نامشهود پروژه تحقیقاتی هیئت استانداردهای حسابداری کره^۴ در رابطه با حسابداری مربوط به دارایی‌های نامشهود و پروژه تحقیقاتی کنسول گزارشگری مالی^۵ انگلستان، به‌منظور گزارشگری بهتر منابع نامشهود را می‌توان نام برد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۰ ب).

همچنین بررسی ادبیات موجود نشان‌دهنده اهمیت رو به رشد مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی و حاکمیتی است. به‌عنوان نمونه، علارینی و همدان^۶ (۲۰۲۰) اظهار می‌دارند که در نتیجه رسوایی‌های مالی مکرر، عمده شرکت‌ها به‌عنوان بخشی از استراتژی خود و در نتیجه فشار مقامات، سازمان‌های غیردولتی و ذی‌نفعان خود را به‌شدت با مقررات اجتماعی، زیست‌محیطی و دیگر مقررات محلی هماهنگ کرده‌اند. در نتیجه، افشای شرکت‌ها از جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در ابعاد مختلف بیش از دو دهه است که توسعه یافته است. گزارش سال ۲۰۱۷ پیمان جهانی ملل متحد^۷ نیز نشان می‌دهد که بیش از ۹۰۰۰ شرکت تجاری و ۴۰۰۰ شرکت غیرتجاری در ۱۶۱ کشور جهان تعهدهای جدی برای پرداختن به مسائل اجتماعی، به‌ویژه اقدامات مربوط به بهبود عملکرد زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی اتخاذ کرده‌اند (پیمان جهانی ملل متحد، ۲۰۱۷).

پیشینه پژوهش

برابر بررسی‌های دقیق به‌عمل آمده، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش خارجی در ارتباط با ارائه الگو یا چارچوب گزارشگری مربوط به گزارش‌های مدیریتی شامل گزارش تفسیری مدیریت انجام نشده است. همچنین سایر پژوهش‌های موجود در زمینه گزارش تفسیری مدیریت نیز به چندین پژوهش محدود ختم می‌شود. پژوهش‌های زیر برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مربوط به گزارش‌های بحث و تحلیل مدیریت و گزارش تفسیری مدیریت در زمینه موضوع پژوهش هستند.

هوفنر (۲۰۰۷) به‌صورت کیفی و با این استدلال که ادعای گزارش‌های بحث و تحلیل مدیریت بر فراهم کردن اطلاعات اضافی، به‌منظور جبران ضعف صورت‌های مالی در جهت تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران است، به‌صورت

1. Hitt, Bierman, Shimizu & Kochhar

2. Teece

3. European Financial Reporting Advisory Group (EFRAG)

4. Korea Accounting Standards Board (KASB)

5. Financial Reporting Council (FRC)

6. Alareeni & Hamdan

7. United Nations Global Compact (UNGC)

مفهومی با مشخص کردن محتوای گزارشگری موردنیاز سرمایه‌گذاران، به ارزیابی و تحلیل محتوای الزامات ارائه این نوع گزارش در ایالات متحده آمریکا پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که به رهنمودها و الزامات افشای این نوع گزارش در جهت تأمین اطلاعات مفید برای سرمایه‌گذاران انتقادهای اساسی وجود دارد. برای نمونه، الزامات تهیه این گزارش شرایط لازم را برای تسهیل پیش‌بینی سرمایه‌گذاران فراهم نمی‌کند. همچنین الزامات تهیه این گزارش در بسیاری موارد مبهم بوده و توانسته است نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران را تأمین کند.

گینستی و اسپانو^۱ (۲۰۱۳) بر اساس بیانیه غیرالزام‌آور بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه گزارش تفسیری مدیریت به بررسی میزان رعایت افشای شرکت‌های ایتالیایی بر اساس این بیانیه پرداختند. از این‌رو آن‌ها چک‌لیستی از ۲۱ مصداق افشا را در رابطه با پنج عنصر محتوایی گزارش تفسیری مدیریت تهیه و به بررسی میزان افشای این مصادیق در نمونه‌ای از ۶۶ شرکت ایتالیایی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که به نظر نمی‌رسد سطح افشای ارائه شده توسط شرکت‌های ایتالیایی، تحت تأثیر بیانیه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه گزارش تفسیری مدیریت باشد. با این حال، بر اساس یافته‌های این پژوهش، تفاوت‌های زیادی در سطح و نوع افشای ارائه شده در گزارش تفسیری مدیریت در میان صنایع مختلف و شرکت‌ها وجود دارد.

سیاه‌تان و تارکا^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود به بررسی میزان افشای مدیران در گزارش‌های بحث و تحلیل مدیریت و گزارش‌های عملیاتی و مالی در کشورهای ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا و استرالیا پرداختند. این پژوهش با استفاده از چک‌لیستی خودساخته مبتنی بر الزامات و مقررات این کشورها، ۱۷۲ شرکت را در سال ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که اطلاعات گزارش‌های مدیریتی به شدت تحت تأثیر مقررات ملی است. شرکت‌های آمریکایی اطلاعات مالی و کمی بیشتری ارائه می‌دهند، در حالی که شرکت‌های بریتانیایی بیشتر به اطلاعات غیرمالی و کیفی می‌پردازند. شرکت‌های کانادایی علی‌رغم کوچک‌تر بودن، سطوح بالایی از افشا را دارند، در حالی که شرکت‌های استرالیایی این کار را کمتر انجام می‌دهند. همچنین، بسیاری از متغیرهای مرتبط با افشا، با افشای مالی و کمی مرتبط‌اند و بینش کمی درباره استفاده از افشاهای آینده‌نگر، غیرمالی و کیفی توسط مدیران ارائه می‌دهند.

جوهانسن و پلنبرگ^۳ (۲۰۱۳) به ارزیابی متداول‌ترین اقلام افشای گزارش تفسیری مدیریت و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی از نظر میزان تقاضا و رضایت استفاده‌کنندگان از این اقلام در مقابل هزینه تهیه‌کنندگان برای این اقلام پرداختند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی کم‌تقاضاترین اقلام در گزارش تفسیری مدیریت بوده در حالیکه جزء موارد پر هزینه از دیدگاه تهیه‌کنندگان محسوب می‌شوند. همچنین، هزینه ارائه اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت نگرانی عمده‌ای از منظر تهیه‌کنندگان آن‌ها محسوب نمی‌شود.

مینوسیسی (۲۰۱۳) به ارزیابی سطح اطلاعات آینده‌نگر در گزارش تفسیری مدیریت شرکت‌های ایتالیایی و بررسی تجربی ویژگی‌های شرکتی پرداخت که ممکن است بر میزان اطلاعات آینده‌نگر افشا شده تأثیر بگذارد. یافته‌های این

1. Ginesti & Spano

2. Seah-Tan & Tarca

3. Johansen & Plenborg

پژوهش نشان داد میزان افشای اطلاعات آینده‌نگرانه پایین بوده و شرکت‌ها تمایل زیادی به افشای این گونه اطلاعات ندارند. همچنین سودآوری شرکت تنها با افشای اطلاعات آینده‌نگرانه مربوط به دو عنصر محتوایی «اهداف و استراتژی» و «نتایج و چشم‌انداز» رابطه معنادار دارد؛ اما در مورد اندازه و اهرم شرکت هیچ رابطه معناداری مشاهده نشد.

آلوارز، کالوو و مورا (۲۰۱۴) به بررسی نظر خبرگان در رابطه با پروژه ارائه بیانیه سال ۲۰۱۰ گزارش تفسیری مدیریت توسط بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پرداختند. از این‌رو آن‌ها موضوعاتی چون سودمندی، وضعیت الزامی یا غیرالزامی بودن، ویژگی‌های کیفی، رویکرد مبتنی بر اصول، مثال‌ها و رهنمودهای کاربردی را مورد بررسی قرار دادند. مهم‌ترین یافته‌های آن‌ها حاکی از این بود که استفاده از نظرات دانشگاهیان که در این پروژه غایب بوده است، نتایج مهم و متفاوتی به همراه دارد.

حسن الجواهری و ادان^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر گزارش تفسیری مدیریت بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار عراق پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت‌های فعال در این بورس، سطح قابل قبولی از افشا در گزارش تفسیری مدیریت ندارند. افزون‌براین، مطالعه نشان داد که بین سطح افشای گزارش تفسیری مدیریت و عدم تقارن اطلاعاتی یک رابطه منفی وجود دارد؛ به این معنا که بهبود کیفیت گزارش تفسیری مدیریت می‌تواند به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند. این یافته‌ها اهمیت شفافیت در گزارش‌های مالی را برای ایجاد اطمینان بین سرمایه‌گذاران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار نشان می‌دهند.

ردماین، اهلای و استنت^۲ (۲۰۲۳) به بررسی سودمندی گزارش تفسیری مدیریت از دیدگاه استفاده‌کنندگان، تهیه‌کنندگان و حساب‌رسان در بازار سرمایه نیوزیلند پرداختند. این تحقیق به ارزیابی اهداف، اصول و محتوای این گزارش و همچنین اجباری بودن و قابلیت اطمینان بخشی آن پرداخت. نتایج نشان داد که حساب‌رسان گزارش تفسیری مدیریت را کمتر سودمند می‌دانند و نیاز به قابلیت اطمینان بخشی آن را بیشتر احساس می‌کنند. هر سه گروه، اجباری بودن تهیه این گزارش را سودمند می‌دانند و استفاده‌کنندگان این الزام را ضروری‌تر می‌شمرند. همچنین، پاسخ‌دهندگان به ترتیب ارزیابی مباشرت مدیریت، تمرکز بر اطلاعات مهم و مرتبط و وضعیت و عملکرد واحد تجاری و جریان‌های نقدی را به‌عنوان سودمندترین اهداف و اصول این گزارش اعلام کردند.

اخیراً فاروگیا^۳ (۲۰۲۳) به‌شیوه پیمایشی به ارزیابی دیدگاه سهام‌داران شرکت پُست مالت نسبت به گزارش تفسیری مدیریت و همچنین پیش‌نویس کنونی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه به‌روزرسانی بیانیه سال ۲۰۱۰ این گزارش پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که حدود دو سوم از سهام‌داران شرکت، این گزارش را مطالعه کرده‌اند، در حالی که یک سوم باقی‌مانده عدم مطالعه را به چالش‌های موجود در درک اصطلاحات آن نسبت دادند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که سهام‌داران در وضعیت کنونی، صورت‌های مالی را بیشتر از بخش‌های روایتی گزارش‌های مالی سالانه (مانند گزارش تفسیری مدیریت) ترجیح می‌دهند. به‌علاوه، میزان مطالعه گزارش تفسیری

1. Hassan Al Jawahry & Edan

2. Redmayne, Ehalaiye & Stent

3. Farrugia

مدیریت با اختصار و سادگی آن و نیز آموزش سهامداران درباره این گزارش افزایش می‌یابد. دیگر یافته‌ها نیز نشان داد که پاسخ‌دهندگان بر این باورند که عناصر محتوایی ذکرشده در پیش‌نویس اخیر بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، موارد ضروری هستند که باید به آن‌ها توجه شود.

پژوهش‌های داخلی در زمینه گزارش تفسیری مدیریت بسیار اندک و به سال‌های اخیر محدودند. این پژوهش‌ها شامل چند مطالعه بعدی هستند که به آن‌ها اشاره می‌شود.

برجانه و همکاران (۱۴۰۱) رهنمود تهیه گزارش تفسیری مدیریت را که برگرفته از بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است، به‌عنوان مبنا قرار داده و بررسی میزان تطابق افشای شرکت‌ها در گزارش تفسیری مدیریت با ضوابط این رهنمود پرداختند. افزون‌براین، رابطه بین خصوصیات شرکت‌ها با سطح افشای اطلاعات در این گزارش را مورد بررسی قرار دادند. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، میزان رعایت الزامات افشا در شرکت‌های ایرانی پایین و کمتر از میانگین است. همچنین تمایل شرکت‌ها بیشتر به افشای اطلاعات مالی است تا اطلاعات غیرمالی. افزون‌براین یافته‌ها، از بین خصوصیات شرکت؛ متغیرهایی چون اهرم مالی، سودآوری، اصول حاکمیت شرکتی، نوع مالکیت، فروش صادراتی، اندازه شرکت و نوع صنعت بر سطح افشای اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت اثر داشته؛ اما سن شرکت تأثیری بر آن ندارد.

مسعودیان و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی اطلاعات آینده‌نگر موجود در گزارش تفسیری مدیریت شرکت‌ها به بررسی تأثیر افشای این اطلاعات بر واکنش قیمت سهام پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که اطلاعات آینده‌نگر موجود در گزارش تفسیری مدیریت شرکت‌ها دارای بار اطلاعاتی بالایی نبوده و موجب واکنش قیمت سهام نمی‌شود. همچنین دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که عدم اطمینان محیطی بر رابطه بین افشای اطلاعات آینده‌نگر و واکنش قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نمازی و خادمی (۱۴۰۲ الف) سودمندی گزارش تفسیری مدیریت کنونی را از منظر استفاده‌کنندگان این گزارش، تهیه‌کنندگان آن و نهادهای ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه مورد بررسی قرار دادند. از این‌رو به‌شیوه پیمایشی، به بررسی جوانب مختلف سودمندی گزارش تفسیری مدیریت از منظر سه گروه یاد شده پرداختند. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی، گزارش تفسیری مدیریت کنونی را هنگام تصمیم‌گیری سودمند نمی‌دانند. همچنین تهیه‌کنندگان آن، این گزارش را از جنبه عدم افزایش هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم شرکت و ایفای بهتر مسئولیت شرکت در برابر بورس اوراق بهادار سودمند دانسته‌اند؛ اما از جنبه کاهش هزینه تأمین مالی و افزایش مشروعیت شرکت سودمند نمی‌دانند. افزون‌براین، نهادهای ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه این گزارش را از هیچ یک از جنبه‌های افزایش کارایی (اطلاعاتی)، نقدشوندگی بازار سهام، افزایش تعداد سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بازار سودمند نمی‌دانند.

اخیراً نمازی و خادمی (۱۴۰۲ ب) به طراحی و آزمون تجربی الگوی تعیین مصادیق افشا در گزارش تفسیری مدیریت ایران پرداختند. از این‌رو آن‌ها ابتدا از روش تحلیل محتوای کیفی به‌منظور شناسایی مصادیق افشا و از روش

کمی به منظور آزمون تجربی و بومی کردن آن متناسب با نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و بستانکاران) در ایران استفاده کردند. بر مبنای یافته‌های بخش کیفی این پژوهش، ۸۸ مصداق افشا شناسایی شد. همچنین بر مبنای یافته‌های بخش کمی، الگوی گزارش تفسیری مدیریت ایران با ۷۴ مصداق افشا و در قالب شش عنصر محتوایی ارائه شد.

نقد پژوهش‌های پیشین و نوآوری پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های مرتبط با گزارش‌های مدیریتی و گزارش تفسیری مدیریت در سطح بین‌الملل نشان می‌دهد که تحقیقات در این حوزه محدودند و این موارد فاقد الگوهای کاربردی و معین هستند. پژوهش‌های پیشین در زمینه گزارش تفسیری مدیریت در ایران نیز تنها به چند پژوهش محدود در سال‌های اخیر ختم شده‌اند که عمده این پژوهش‌ها، بر کمبود سودمندی گزارش‌های تفسیری مدیریت برای استفاده‌کنندگان اصلی (سرمایه‌گذاران و بستانکاران) تأکید دارند. به‌طور خاص، بررسی‌ها نشان‌دهنده این است که استفاده‌کنندگان اصلی این گزارش‌ها به ارزش اطلاعاتی آن‌ها در فرایند تصمیم‌گیری اعتماد ندارند. به‌عنوان نمونه، اخیراً نمازی و خادمی (۱۴۰۲ الف)، سودمندی گزارش تفسیری مدیریت کنونی را از منظر گروه‌های مختلف مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش، به‌گونه کلی بر عدم سودمندی این گزارش در وضعیت کنونی و ضرورت توسعه و ایجاد چارچوب و الگوهای گزارشگری بومی و به روز برای کشور تأکید دارد.

این پژوهش با به‌کارگیری هم‌زمان رویکرد کیفی (مطالعه منابع مختلف بین‌المللی) و رویکرد کمی (در نظر گرفتن نظرات نهادهای ناظر و جامعه دانشگاهی) در تلاش است تا شکاف‌های موجود در افشای اطلاعات و پاسخ‌گویی در گزارش‌های تفسیری مدیریت را شناسایی و بهبود بخشد و یک چارچوب گزارشگری مناسب را برای اولین بار در ایران ارائه دهد. در این زمینه مطالعه اخیر نمازی و خادمی (۱۴۰۲ ب) به شناسایی و تدوین مصادیق افشای اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت می‌پردازد؛ اما در این پژوهش، چارچوب گزارشگری کلی برای راهنمایی در این زمینه ارائه نمی‌شود. این در حالی است که وجود یک چارچوب منسجم و استاندارد برای گزارشگری نه تنها به ارتقای کیفیت اطلاعات شرکت‌ها و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بازار و در نهایت کارایی بیشتر بازار سرمایه منجر می‌شود، بلکه به تدوین هرگونه استاندارد و رهنمود مرتبط توسط سازمان حسابرسی یا سازمان بورس و اوراق بهادار نیز کمک می‌کند.

با توجه به نقاط ضعف پژوهش‌های پیشین، پژوهش حاضر به‌عنوان یک نوآوری برجسته، به توسعه چارچوب گزارشگری مناسب برای گزارش تفسیری مدیریت شامل اهداف، ویژگی‌های کیفی، عناصر محتوایی، اطلاعات آینده‌نگرانه و اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت می‌پردازد. این چارچوب نه تنها قابلیت استفاده در استانداردسازی و تدوین رهنمودهای گزارشگری را دارد، بلکه می‌تواند به بهبود فرایندهای نظارتی و تصمیم‌گیری نهادهای ناظر بازار سرمایه کمک کند. نتایج این پژوهش می‌تواند نقطه عطفی در بهبود کیفیت گزارش‌های تفسیری مدیریت و افزایش شفافیت و اعتبار این گزارش‌ها در بازار سرمایه ایران محسوب شود.

روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش ارائه چارچوب گزارشگری مناسب به‌منظور ارائه گزارش تفسیری مدیریت توسط ناشران بورس و فرابورس در ایران است. از این‌رو از نظر جهت‌گیری، پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود. همچنین این پژوهش از نظر رویکرد یک پژوهش ترکیبی (کمی و کیفی) است (اسمیت^۱، ۲۰۱۹). در ادامه روش‌شناسی پژوهش در قالب دو بخش کیفی و کمی تشریح می‌شود.

روش‌شناسی و یافته‌های بخش کیفی

جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل کلیه مطالعات بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، مستندات این بنیاد در پروژه به‌روزرسانی بیانیه ارائه گزارش تفسیری مدیریت از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ و همچنین دیگر رهنمودها و چارچوب‌های گزارشگری مرتبط است. همچنین، با توجه به تخصصی بودن موضوع، نمونه آماری به‌صورت هدفمند و تا دستیابی به اشباع نظری انتخاب شد. از این رو کلیه مستندات این بنیاد و دیگر چارچوب‌های گزارشگری که در زمینه هر یک از ابعاد چارچوب گزارشگری پژوهش متناسب با پیشینه نظری بیان شده ارتباط داشتند، انتخاب شدند و تا میزان دستیابی به اشباع نظری، نمونه انتخاب شد. جدول ۱ نمونه آماری مربوط به بخش تحلیل محتوای کیفی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه آماری بخش تحلیل محتوای کیفی پژوهش

اسناد بررسی شده در نمونه مورد مطالعه	
Discussion Paper: Management Commentary (October 2005)/ IFRS practice statement Management Commentary: A framework for presentation (December 2010)/ Proposal to revise and update the Management Commentary Practice Statement (November 2017)/ Introduction to the Management Commentary (March 2018)/ Management Commentary Slide deck 3: Applying materiality (September 2018)/ Management Commentary Slide deck 4: Principles (September 2018)/ The Objective of Management Commentary (November 2018)/ AP5: Management Commentary presentation (March 2019)/ AP2: Management Commentary (July 2019)/ AP15A: Enhancing qualitative characteristics in management commentary (October 2019)/ Slide deck 2: Topics for further input (December 2019)/ AP15B: Business model (April 2020)/ AP15C: Strategy (April 2020)/ AP15D: Resources and relationships (April 2020)/ AP15A: Risks (May 2020)/ AP15B: External environment (May 2020)/ AP15C: Performance and position (July 2020)/ AP15D: Management measures and indicators (July 2020)/ AP15B: Progress (July 2020)/ AP15A: Overview of guidance on matters affecting long-term prospects, on intangible resources and relationships and on ESG matters (October 2020)/ Exposure Draft: Management Commentary (May 2021)/ Exposure Draft: Management Commentary—Basis for Conclusions (May 2021)/ Snapshot: Management Commentary (May 2021)	مطالعات و مستندات بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)
چارچوب نظری گزارشگری مالی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی؛ چارچوب مفهومی حسابداری پایداری هیئت استانداردهای حسابداری پایداری؛ رهنمود گزارشگری پایداری سازمان ابتکار گزارشگری جهانی؛ رهنمودها و الزامات تهیه گزارش‌های مدیریتی در امریکا، کانادا و انگلستان، راهنمای به‌کارگیری ضوابط گزارش تفسیری مدیریت سازمان بورس اوراق بهادار ایران	دیگر رهنمودها و چارچوب‌های گزارشگری

1. Smith
2. Sustainability Accounting Standards Board
3. Global Reporting Initiative

در ادامه به منظور استخراج و شناسایی زیرمقوله‌های ابعاد چارچوب گزارشگری، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. این بخش طبق روش ارائه شده توسط کریپندورف^۱ (۲۰۰۴) بر مبنای شش مرحله‌ی بعدی انجام شد:

۱. واحدسازی (انتخاب واحد تحلیل): در این پژوهش واحد تحلیل یا ثبت همانند بسیاری از پژوهش‌های کیفی «مضمون» در نظر گرفته شد. منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف می‌توان برداشت کرد. از این‌رو در این پژوهش هر یک از کلمات، جملات یا پاراگراف‌های موجود در نمونه اسناد مورد بررسی، در صورتی که معنایی در راستای مؤلفه‌ها و طبقات چارچوب گزارشگری داشته باشند، انتخاب و مضمون حاصل از آن‌ها در قالب عبارات استخراج می‌شود.

۲. نمونه‌گیری: شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند انتخاب شد؛ از این‌رو کلیه مستندات به صورت قضاوتی و در جهت هدف پژوهش انتخاب و تا حدی که اشباع نظری را موجب شود، بررسی شدند (جدول ۱).

۳. ثبت/کدگذاری داده‌ها: این مرحله بر مبنای پروتکل کدگذاری و متناسب با رویکرد قیاسی انجام شد. از این‌رو ابتدا بر مبنای روش کتابخانه‌ای و بررسی متون، پنج طبقه ۱. اهداف، ۲. ویژگی‌های کیفی، ۳. عناصر محتوایی، ۴. اطلاعات آینده‌نگرانه، ۵. اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت، به عنوان طبقات اصلی چارچوب گزارشگری در نظر گرفته شد. سپس بر اساس پروتکل کدگذاری در این مرحله که استفاده از شیوه قیاسی به منظور شناسایی مصادیقی از هر یک از این طبقات است، مستندات نمونه مورد مطالعه به گونه دقیق مورد بررسی قرار گرفت و متناسب با تعریف و مفهوم هر یک از این طبقات، مضامین مرتبط شناسایی و در ارتباط با هر یک از طبقات یاد شده دسته‌بندی و ثبت شد.

۴. تقلیل داده‌ها: در این مرحله داده‌های ثبت شده به صورت مستمر مورد بازبینی قرار گرفت و موارد تکراری حذف و موارد مشابه ادغام شدند تا اینکه تعداد زیر مقوله‌های هر یک از طبقات چارچوب گزارشگری به تعدادی که قابلیت مدیریت بهتری دارند، تقلیل یابند.

۵. استنباط (تفسیر داده‌ها): در این مرحله با توجه با ماهیت خاص این پژوهش که هدف آن شناسایی هر یک از زیرمقوله‌های طبقات چارچوب گزارشگری است، هر یک از مواردی که در دو مرحله قبل ثبت شده و با فرایند حذف و ادغام مورد تقلیل قرار گرفتند، مجدداً مورد واکاوی و مقایسه دقیق‌تر با یکدیگر قرار گرفته و به گونه مناسب‌تری مورد جرح و تعدیل قرار گرفتند. در حقیقت این مرحله بر مبنای تحلیل و تفسیر داده‌های ثبت شده به منظور شناسایی دقیق‌تر، روشن‌تر، محدودتر و جامع‌تر هر یک از زیرمقوله‌های چارچوب گزارشگری انجام شد.

۶. توصیف (ارائه یافته‌ها): در این مرحله، از آنجا که هدف اولیه این پژوهش، تعیین زیرمقوله‌های هر یک از ابعاد چارچوب گزارشگری بر مبنای یافته‌های بخش کیفی است، نتایج در قالب الگوی چارچوب گزارشگری تفسیری مدیریت ارائه می‌شود. همچنین در رابطه با اهمیت عملی یافته‌ها، توصیه برای اقدامات عملی و تحقیقات بیشتر در بخش بحث و نتیجه‌گیری پژوهش بحث خواهد شد.

شکل ۱ یافته‌های حاصل از بخش کیفی پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. چارچوب اولیه گزارشگری تفسیری مدیریت بر مبنای یافته‌های بخش کیفی

همان گونه که در شکل ۱ مشخص است، چارچوب اولیه گزارشگری تفسیری مدیریت، شامل پنج بُعد اصلی است: ۱. اهداف (دارای پنج هدف)، ۲. ویژگی‌های کیفی (دارای یازده ویژگی کیفی)، ۳. عناصر محتوایی (دارای شش عنصر محتوایی)، ۴. اطلاعات آینده‌نگرانه (دارای هفت اصل) و ۵. اطلاعات مرتبط با موفقیت شرکت (دارای شش نوع اطلاعات). در ادامه، این چارچوب در بخش کمی پژوهش و بر مبنای نظرهای افراد ذی‌صلاح، بررسی و آزمون می‌شود و بر مبنای نتایج نهایی و رتبه‌بندی زیرمقوله‌ها، چارچوب گزارشگری تفسیری مدیریت در ایران ارائه می‌شود.

ارزیابی اعتبار بخش کیفی پژوهش

پژوهشگران کیفی معیارهایی غیر از پایایی و روایی را در پذیرش نتایج تحقیق خود به کار می‌گیرند (کریپندروف، ۲۰۰۴). بسیاری از پژوهشگران (مانند: گوبا^۱، لینکلن^۲، ۱۹۹۵؛ شنتون^۳، ۲۰۰۴؛ سینکوویکس، پنز و گائوری^۴، ۲۰۰۸؛ ژانگ و ویلدموث^۵، ۲۰۰۹) چهار معیار ۱. باورپذیری^۶، ۲. انتقال‌پذیری^۷، ۳. قابلیت اطمینان^۸ و ۴. تأییدپذیری^۹ را به‌عنوان معیارهای مربوط به ارزیابی اعتبار نتایج پژوهش‌های کیفی ارائه کرده‌اند. در این پژوهش از معیارهای یاد شده به‌منظور ارزیابی اعتبار نتایج بخش کیفی پژوهش استفاده شد. در ادامه هر یک از این معیارها تعریف و اقدامات صورت گرفته پژوهش در جهت تأمین آن‌ها بیان می‌شود.

۱. باورپذیری: این معیار را می‌توان معادل روایی درونی در پژوهش‌های کمی دانست (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). باورپذیری میزان اطمینان به صحت یافته‌های تحقیق است و مشخص می‌کند که آیا یافته‌های تحقیق اطلاعات قابل قبولی از داده‌های اولیه و همچنین تفسیر درستی از این داده‌ها هستند یا خیر (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). روش مثلث‌سازی^{۱۰} یکی از ابزارهای کمک به باورپذیر کردن نتایج پژوهش است (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). از آنجا که روش سه‌سوسازی بر به‌کارگیری روش‌ها یا منابع متعدد تأکید دارد، در این پژوهش با به‌کارگیری منابع متعدد (مطالعات و یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و دیگر رهنمودها و چارچوب‌های گزارشگری) که تقریباً تمامی منابع موجود در این زمینه بود، از این روش استفاده شد. همچنین صرف زمان کافی برای آشنایی با موضوع پژوهش و درگیری طولانی مدت و مستمر با داده‌ها در فرایند تحلیل محتوا و تأکید بر بخش‌های دارای اهمیت بیشتر یکی از شیوه‌های افزایش باورپذیری نتایج پژوهش است (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵)، که این موضوع با صرف زمان زیاد توسط پژوهشگر در طول رساله دکتری در جهت آشنایی با تمام جوانب موضوع پژوهشی و بررسی کلیه منابع موجود به خوبی تأمین شد. همچنین استفاده از پروتکل کدگذاری، جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی به افزایش باورپذیری نتایج پژوهش کمک کرد (ژانگ و ویلدموث، ۲۰۰۹).

۲. انتقال‌پذیری: این معیار را می‌توان معادل روایی بیرونی در پژوهش‌های کمی دانست (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). این مفهوم به میزانی اشاره دارد که نتایج پژوهش‌های کیفی را بتوان به دیگر زمینه‌ها یا موقعیت‌ها با پاسخ‌دهندگان متفاوت تعمیم داد (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). از آنجا که منابع این پژوهش بر مطالعات بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و همچنین دیگر چارچوب‌های گزارشگری بین‌المللی متمرکز بود، از این‌رو نتایج پژوهش در قالب

1. Guba
2. Lincoln
3. Shenton
4. Sinkovics, Penz & Ghauri
5. Zhang & Wildemuth
6. Credibility
7. Transferability
8. Dependability
9. Conformability
10. Triangulation

چارچوب گزارشگری، به راحتی قابلیت تعمیم به دیگر جوامع و کشورها را دارد. این موضوع به ویژه از این جنبه که موضوعات مرتبط با استانداردها و چارچوب‌های گزارشگری، تقریباً از رهنمود و استانداردهای یکسان و مشابهی در دنیا پیروی می‌کنند، بیشتر قابل درک است.

۳. قابلیت اطمینان: این معیار را می‌توان معادل پایایی در پژوهش‌های کمی دانست (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). البته این مفهوم در پژوهش‌های کیفی الزاماً به معنی رسیدن به نتایج کاملاً مشابه در طول زمان نیست، بلکه به ثبات نسبی نتایج در طول زمان اشاره دارد (شتتون، ۲۰۰۴). توجه به داشتن روش واحد از ابتدا تا انتهای تحلیل محتوا، استفاده از پروتکل کدگذاری و به کارگیری مراحل فرموله شده جستجو، کدگذاری، ساماندهی و مدلسازی موجب تأمین قابلیت اطمینان یعنی ثبات نسبی نتایج پژوهش در طول زمان می‌شود (شتتون، ۲۰۰۴ و سینکوویکس، پنز و گائوری، ۲۰۰۸). در این پژوهش از آنجا که مراحل انجام تحلیل محتوا طبق روش کریپندروف (۲۰۰۴) انجام و پروتکل‌های مربوطه در جهت ثبت، تقلیل و استنباط داده‌ها و ارائه یافته‌ها به خوبی و به شیوه نظام‌مند رعایت شد، از این‌رو این موضوع به قابلیت اطمینان نتایج پژوهش کمک می‌کند. همچنین ثبت دقیق مراحل انجام تحلیل محتوا و شیوه ترکیب، تلفیق و تلخیص داده‌ها به افزایش قابلیت اطمینان نتایج کمک کرد (شتتون، ۲۰۰۴). افزون‌براین، چون هدف از بررسی قابلیت اطمینان، اطمینان از ثبات نسبی نتایج در طول زمان است، نمونه‌ای از اسناد و مدرکی که در فرایند تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفتند، بعد از گذشت سه ماه مجدداً توسط پژوهشگر در فرایند تحلیل محتوا شرکت داده شدند. این بررسی نشان داد که تفاوت تعداد مضامین شناسایی شده در تحلیل محتوای دوم نسبت به تحلیل محتوای اول کمتر از ۵ درصد است.

۴. تأییدپذیری: این معیار را می‌توان معادل عینیت در پژوهش‌های کمی دانست (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). در حقیقت تأییدپذیری میزان درجه‌ای است که یافته‌های پژوهش توسط دیگر پژوهشگران تأیید شود. همچنین این معیار به ارزیابی این موضوع می‌پردازد که یافته‌ها و تفسیر آن‌ها به وضوح از داده‌ها مشتق شده و حاصل تخیل و هرگونه سوءگیری پژوهشگر نیست (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). به اعتقاد لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) با بررسی انسجام درونی از طریق بازبینی فرایند انجام پژوهش تا دستیابی به نتایج نهایی، می‌توان از تأییدپذیری نتایج پژوهش اطمینان حاصل کرد. در این پژوهش از آنجا که کل فرایند تحلیل محتوا از ثبت داده‌های اولیه، تقلیل، استنباط و نتایج نهایی پژوهش توسط پژوهشگر مورد بازبینی مجدد قرار گرفت، از این‌رو در زمینه تأییدپذیری نتایج اطمینان کافی حاصل شد. همچنین در جهت اطمینان بهتر از تأییدپذیری نتایج، از کمک یک نفر دانش‌آموخته دکتری مدیریت مالی به عنوان همکار پژوهشی استفاده شد. از این‌رو ضمن توجه کامل ایشان نسبت به موضوع پژوهش در رساله دکتری، نمونه مستندات مربوط به فرایند تحلیل محتوا در اختیار ایشان قرار گرفت و از ایشان خواسته شد تا شیوه و نتایج تحلیل محتوای پژوهشگر به صورت نمونه‌ای مورد بازبینی و ارزیابی ایشان قرار گیرد. نتایج بررسی و ارزیابی همکار پژوهشی از نمونه‌ای از ۱۶۷ مضمون شناسایی شده توسط پژوهشگر در فرایند تحلیل محتوا نشان داد که ایشان به جز در ۷ مورد اختلاف نظر (کمتر از ۵ درصد) در زمینه نوع مضمون برداشت شده از متون، در سایر موارد اختلاف نظری با پژوهشگر نداشته و فرایند تقلیل و استنباط داده‌های نهایی نیز مورد تأیید ایشان است.

فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون تجربی چارچوب گزارشگری که در بخش کیفی این پژوهش ارائه شده است (شکل ۱)، فرضیه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد این چارچوب شامل اهداف، ویژگی‌های کیفی، عناصر محتوایی، اطلاعات آینده‌نگرانه و اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت تدوین می‌شوند. زیرفرضیه‌ها نیز بر اساس زیرمقوله‌های مشخص شده در چارچوب گزارشگری مطرح خواهند شد.

به استناد بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (۲۰۱۸ ب)، هدف از گزارشگری مالی با مقاصد عمومی، ارائه اطلاعات سودمند به منظور تسهیل فرایند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، وام‌دهندگان و سایر بستانکاران است. بنابراین، فرضیه‌ها و زیرفرضیه‌های مرتبط با اهداف، ویژگی‌های کیفی و عناصر محتوایی، بر مبنای سودمندی آن‌ها در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی مطرح می‌شوند. افزون‌براین، ادبیات و مبانی نظری مرتبط بر تأثیر اطلاعات آینده‌نگرانه بر ارزیابی چشم‌انداز آتی شرکت (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰ و انجمن حسابداران رسمی کانادا، ۲۰۱۴) و اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت، از جمله اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری درازمدت دلالت دارد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۰ ب). بدین ترتیب، فرضیه‌ها و زیرفرضیه‌های مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه بر تأثیر این اطلاعات در ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» و فرضیه‌ها و زیرفرضیه‌های مرتبط با اطلاعات موفقیت درازمدت شرکت بر تأثیر این اطلاعات بر «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» مورد آزمون قرار خواهند گرفت.

اهداف

فرضیه ۱: در گزارش تفسیری مدیریت، ارائه اطلاعات مربوط به «اهداف» به «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند.

فرضیه ۱-۱: در گزارش تفسیری مدیریت، «ارائه اطلاعاتی که موجب درک بهتر وضعیت ترسیم شده در صورت‌های مالی می‌شود»، به «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند.

فرضیه ۱-۲: در گزارش تفسیری مدیریت، «ارائه اطلاعاتی که موجب درک بهتر عملکرد ترسیم شده در صورت‌های مالی می‌شود»، به «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند.

فرضیه ۱-۳: در گزارش تفسیری مدیریت، «ارائه اطلاعاتی که موجب شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در ایجاد ارزش در همه افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت و درازمدت) می‌شود»، به «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند.

فرضیه ۱-۴: در گزارش تفسیری مدیریت، «ارائه اطلاعاتی که موجب شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در تولید جریان‌های نقد در همه افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت و درازمدت) می‌شود»، به «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند.

فرضیه ۱-۵: در گزارش تفسیری مدیریت، «ارائه اطلاعاتی که موجب ارزیابی مباشرت مدیریت نسبت به منابع اقتصادی شرکت می‌شود»، به «تصمیمات سرمایه‌گذاری» استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند.

ویژگی‌های کیفی

فرضیه ۲: توجه به «ویژگی‌های کیفی» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۱-۲: توجه به ویژگی کیفی «کامل بودن» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۲: توجه به ویژگی کیفی «بی‌طرفی» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۳: توجه به ویژگی کیفی «عاری از خطا بودن» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۴: توجه به ویژگی کیفی «ارزش تأییدکنندگی» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۵: توجه به ویژگی کیفی «ارزش پیش‌بینی‌کنندگی» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۶: توجه به ویژگی کیفی «اهمیت» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۷: توجه به ویژگی کیفی «قابل مقایسه بودن» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۸: توجه به ویژگی کیفی «قابل فهم بودن» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۹: توجه به ویژگی کیفی «قابلیت راستی‌آزمایی» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۱۰: توجه به ویژگی کیفی «به موقع بودن» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

فرضیه ۲-۱۱: توجه به ویژگی کیفی «انسجام توصیفی» در ارائه اطلاعات گزارش تفسیری مدیریت، موجب افزایش کیفیت اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» می‌شود.

عناصر محتوایی

فرضیه ۳: ارائه اطلاعات مربوط به «عناصر محتوایی» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

فرضیه ۳-۱: ارائه اطلاعات مربوط به عنصر محتوایی «الگوی کسب‌وکار» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

فرضیه ۳-۲: ارائه اطلاعات مربوط به عنصر محتوایی «استراتژی و اهداف» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

فرضیه ۳-۳: ارائه اطلاعات مربوط به عنصر محتوایی «منابع و روابط» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

فرضیه ۳-۴: ارائه اطلاعات مربوط به عنصر محتوایی «ریسک‌ها و مدیریت ریسک» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

فرضیه ۳-۵: ارائه اطلاعات مربوط به عنصر محتوایی «محیط برون سازمانی» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

فرضیه ۳-۶: ارائه اطلاعات مربوط به عنصر محتوایی «وضعیت و عملکرد» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در «تصمیمات سرمایه‌گذاری» کمک می‌کند.

اطلاعات آینده‌نگرانه

فرضیه ۴: ارائه «اطلاعات آینده‌نگرانه» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۱: ارائه «اطلاعات آینده‌نگرانه توصیفی» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۲: ارائه «اطلاعات آینده‌نگرانه کمی» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۳: بیان «مفروضات مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۴: بیان «روش‌های مورد استفاده در ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۵: بیان «عدم قطعیت‌های مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۶: بیان «انحراف از انتظارات و پیش‌بینی‌های دوره‌های قبلی» در ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

فرضیه ۴-۷: بیان «پیامدهای انحراف از انتظارات و پیش‌بینی‌های دوره‌های قبلی» در ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت ارزیابی «چشم‌انداز آتی شرکت» کمک می‌کند.

اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت

فرضیه ۵: ارائه «اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

فرضیه ۵-۱: ارائه «اطلاعات مرتبط با عوامل اثرگذار بر چشم‌اندازهای درازمدت شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

فرضیه ۵-۲: ارائه «اطلاعات مرتبط با منابع نامشهود شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

فرضیه ۵-۳: ارائه «اطلاعات مرتبط با روابط نامشهود شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

فرضیه ۵-۴: ارائه «اطلاعات مرتبط با مسائل زیست‌محیطی شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

فرضیه ۵-۵: ارائه «اطلاعات مرتبط با مسائل اجتماعی شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

فرضیه ۵-۶: ارائه «اطلاعات مرتبط با مسائل حاکمیتی شرکت» در گزارش تفسیری مدیریت، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی جهت «تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت» کمک می‌کند.

روش‌شناسی بخش کمی

بخش دوم پژوهش از نوع کمی است. همچنین از نظر هدف کاربردی و طرح آن از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی است. در زمینه جامعه آماری پژوهش، به دلیل آنکه هدف اصلی شناسایی مصادیق افشای مورد نیاز سرمایه‌گذاران نبوده و هدف اصلی و موضوع پژوهش بر ارائه یک چارچوب کلی گزارشگری است که بتواند مورد قبول مقامات و مسئولین بورس و دانشگاهیان در حوزه حسابداری و مالی قرار گیرد، دو گروه زیر به عنوان متخصص‌ترین افراد در نظر گرفته شده‌اند:

۱. جامعه دانشگاهی: این گروه شامل استادان و دانشجویان دوره دکتری در رشته‌های حسابداری، مالی و سایر

حوزه‌های مرتبط مانند مدیریت و اقتصاد است. این افراد به دلیل داشتن دانش و تخصص‌های مربوط به موضوع تحقیق، معمولاً با مفاهیم گزارشگری مالی و گزارش تفسیری مدیریت آشنایی کافی دارند و می‌توانند نظرهای علمی و معتبر در این زمینه ارائه دهند.

۲. مدیران ارشد سازمان حسابرسی و کارکنان مدیریت نظارت بر ناشران سازمان بورس اوراق بهادار: بررسی نظرهای این مدیران می‌تواند به اعتبار و اعتماد به نتایج پژوهش بیفزاید، زیرا آن‌ها در خط مقدم تدوین و نظارت بر استانداردهای گزارشگری قرار دارند.

در بخش مربوط به جامعه دانشگاهی، تمامی استادان رشته حسابداری و مالی از طریق مراجعه به وبسایت‌های دانشگاه‌ها شناسایی شدند و پس از ارسال پرسش‌نامه، از آن‌ها درخواست شد که در صورت آشنایی کافی با گزارش تفسیری مدیریت، به پرسش‌نامه پاسخ دهند. همچنین، در خصوص دانشجویان دکتری حسابداری و استادان و دانشجویان دکتری رشته‌های مدیریت و اقتصاد، با توجه به تخصصی بودن موضوع، از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شد. در این راستا، با بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر (از جمله پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه گنج ایرانداک و موتور جست‌وجوگر علم‌نت)، افرادی که در زمینه بازار سرمایه و گزارشگری مالی و مدیریتی دارای حداقل یک مقاله، پایان‌نامه یا کتاب بودند، انتخاب شدند و از آن‌ها درخواست شد تا در صورت آشنایی مناسب با گزارش تفسیری مدیریت، به پرسش‌نامه پاسخ دهند. همچنین در ارتباط با سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار، از روش نمونه‌گیری متناسب استفاده نشده و تمامی اعضای جامعه آماری این سازمان‌ها به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفتند. بررسی کل جامعه آماری به دلیل تعداد کم جامعه آماری در این دو سازمان بود؛ با وجود این شمول تمامی نظرها و تجربه‌های این گروه در پژوهش، به ما این اطمینان را می‌دهد که هیچ یک از دیدگاه‌های ارزشمند از قلم نیفتد و داده‌های معتبر و کامل‌تری برای تحلیل حاصل شود.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی، پرسش‌نامه تهیه به وسیله پژوهشگر با طیف لیکرت پنج گزینه‌ای بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از جامعه دانشگاهی، ارتباط از طریق رایانامه و سایر راه‌های ارتباطی مانند شبکه‌های اجتماعی (از جمله تلگرام و واتساپ) برقرار شد. به دلیل عدم تعیین تعداد مشخص برای جامعه آماری، فرض بر آن بود که جامعه آماری نامحدود است و با توجه به سطح خطای ۵ درصد، طبق فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ پرسش‌نامه به‌منظور تحلیل نیاز بود. با در نظر گرفتن احتمال امتناع تعداد زیادی از افراد از پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه، حداکثر افراد واجد شرایط شناسایی و پرسش‌نامه به آن‌ها ارسال شد. در این راستا، تعداد ۵۶۰ پرسش‌نامه آنلاین توزیع شد. با پیگیری‌های مکرر، در نهایت تعداد ۱۵۱ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. افزون‌براین، با شرکت در همایش‌ها و مراجعه به برخی دانشگاه‌ها، تعداد ۶۸ پرسش‌نامه نیز به‌صورت حضوری در میان استادان و دانشجویان دکتری توزیع شد و از این تعداد، ۲۱ پرسش‌نامه برگشت داده شد. همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات از سازمان حسابرسی و سازمان بورس و اوراق بهادار، به‌صورت حضوری مراجعه شد. در این دو سازمان، به‌ترتیب ۴۳ و ۲۰ پرسش‌نامه در بین مدیران و کارکنان آگاه و متخصص توزیع شد. با پیگیری‌های مکرر در این سازمان‌ها، در نهایت تعداد ۳۸ پرسش‌نامه از سازمان حسابرسی و ۱۴ پرسش‌نامه از سازمان

بورس و اوراق بهادار جمع‌آوری شد. بنابراین، در مجموع تعداد ۲۲۴ پرسش‌نامه صحیح به‌منظور تحلیل کمی جمع‌آوری شد.

میزان روایی پرسش‌نامه پژوهش، با بررسی روایی صوری و روایی محتوای آن مورد سنجش قرار گرفت. بر این اساس، نظر استادان راهنما و مشاور و همچنین سایر متخصصان در مورد هر یک از گویه‌های پرسش‌نامه به‌منظور سنجش روایی گویه‌های پرسش‌نامه دریافت و پیشنهادهای اصلاحی مناسب به‌منظور افزایش روایی آن‌ها اعمال شدند. همچنین به‌منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. از این‌رو با توجه به اینکه آلفای کرونباخ هر یک از ابعاد چارچوب گزارشگری شامل اهداف، ویژگی‌های کیفی، عناصر محتوایی، اطلاعات آینده‌نگرانه و اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت به‌ترتیب با میزان ۰/۷۰۰، ۰/۸۳۱، ۰/۹۴۱، ۰/۸۹۴ و ۰/۸۱۹ بزرگتر از ۰/۷ می‌باشند، پرسش‌نامه پژوهش از پایایی مناسب برخوردار است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از نرم‌افزار اسپس اس نسخه ۲۷، به‌منظور ارائه آمار توصیفی و استنباطی مربوط به بخش کمی پژوهش استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، ابتدا فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی و سپس آماره‌های میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر، چولگی و کشیدگی ارائه می‌شوند. همچنین در بخش آمار استنباطی، ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، وضعیت نرمال یا غیر نرمال بودن داده‌ها بررسی می‌شود. از این‌رو در صورت نرمال بودن داده‌ها به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و رتبه‌بندی آن‌ها به‌ترتیب از آزمون‌های t تک نمونه‌ای و تجزیه و تحلیل واریانس استفاده می‌شود. اما در صورت غیرنرمال بودن داده‌ها از آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون و آزمون فریدمن استفاده می‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های بخش کمی: آمار توصیفی

نتایج حاصل از آمار فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی به شرح جدول ۲ است. نتایج این جدول حاکی از این است که حدود ۷۶ درصد از پاسخ‌دهندگان مرد و مابقی زن بودند. حدود ۴۱ درصد عضو هیئت علمی، ۱۳ درصد دانش‌آموخته دکتری، ۲۳ درصد دانشجوی دکتری، ۱۷ درصد از سازمان حسابرسی و ۶ درصد از سازمان بورس و اوراق بهادار بودند. در زمینه تحصیلات، حدود ۷۹ درصد مدرک دکتری، ۲۰ درصد کارشناسی ارشد و ۱ درصد کارشناسی داشتند. همچنین حدود ۹۱ درصد دارای مدرک حسابداری، ۶ درصد مدیریت، ۲ درصد اقتصاد و ۲۱ درصد سایر رشته‌ها بودند. از این‌رو پاسخ‌دهندگان از صلاحیت لازم به‌منظور مشارکت و پاسخ‌گویی در این پژوهش برخوردار بودند.

جدول ۲. نتایج متغیرهای جمعیت شناختی

ویژگی‌های جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۷۱
	زن	۵۳
وضعیت آموزشی / شغلی	عضو هیئت علمی	۹۱
	دانش‌آموخته دکتری	۲۹
	دانشجوی دکتری	۵۲
	سازمان حسابرسی	۳۸
	سازمان بورس و اوراق بهادار	۱۴
تحصیلات	دکتری	۱۷۸
	کارشناسی ارشد	۴۴
	کارشناسی	۲
رشته تحصیلی	حسابداری	۲۰۵
	مدیریت	۱۲
	اقتصاد	۵
	سایر	۲
جمع کل		۲۲۴
		۱۰۰

جدول ۳ آمار توصیفی فرضیه‌های پژوهش را در ارتباط با ابعاد چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت که شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل، حداکثر، چولگی و کشیدگی است، نشان می‌دهد.

جدول ۳ نشان می‌دهد که فرضیه‌های اصلی ۱ تا ۴ پژوهش دارای میانگین بالاتر از ۴ و فرضیه ۵ میانگین کمتر، اما نزدیک به ۴ (۳/۹۸) است. همچنین همه زیرفرضیه‌ها نیز میانگین بیشتر از ۳ و در بیشتر موارد بالاتر از ۴ دارند. در رابطه با زیرفرضیه‌های فرضیه اصلی اول، زیر فرضیه ۱-۱ دارای بیشترین میانگین (۴/۶۴) و زیر فرضیه ۱-۵ کمترین میانگین (۴/۲۲) است. در رابطه با زیرفرضیه‌های فرضیه اصلی دوم، زیرفرضیه ۲-۱۰ دارای بیشترین میانگین (۴/۴۹) و زیرفرضیه ۲-۹ دارای کمترین میانگین (۴/۰۹) است. در رابطه با زیرفرضیه‌های فرضیه اصلی سوم، زیرفرضیه ۳-۲ و ۳-۳ کمترین میانگین (۴/۲۸) و زیرفرضیه ۳-۱ کمترین میانگین (۳/۸۹) است. در رابطه با زیرفرضیه‌های فرضیه اصلی چهارم، زیر فرضیه ۴-۲ دارای بیشترین میانگین (۴/۳۱) و زیرفرضیه ۴-۱ کمترین میانگین (۳/۹۲) است. در رابطه با زیرفرضیه‌های فرضیه اصلی پنجم، زیر فرضیه ۵-۱ دارای بیشترین میانگین (۴/۳۵) و زیرفرضیه ۵-۳ کمترین میانگین (۳/۷۱) است. در مجموع بر اساس اطلاعات مرتبط با میانگین فرضیه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه‌های مرتبط با اهداف از بیشترین اهمیت (با میانگین ۴/۴۱) و فرضیه‌های مرتبط با اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت (با میانگین ۳/۹۸) از کمترین اهمیت برخوردار هستند. همچنین در رابطه با انحراف معیار، به جز برخی از زیرفرضیه‌های فرضیه اصلی پنجم، بقیه فرضیه‌های اصلی و زیرفرضیه آن‌ها دارای انحراف معیار کمتر از ۱ هستند؛ به گونه‌ای که فرضیه

اصلی سوم دارای بیشترین انحراف معیار (۱/۰۸) و زیرفرضیه ۵-۳ دارای کمترین انحراف معیار (۰/۵۲) است. افزون بر این، همه فرضیه‌ها دارای چولگی منفی هستند که این موضوع به دلیل این است که در تمامی موارد میانگین فرضیه یا زیرفرضیه بیشتر از ۳ است. از نظر کشیدگی نیز برخی فرضیه‌ها دارای کشیدگی بیشتر و برخی کمتر از توزیع نرمال هستند. این وضعیت با نتایج جدول ۴ مبنی بر غیرنرمال بودن داده‌ها همخوانی دارد.

جدول ۳. آمار توصیفی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	زولگی	کشیدگی	فرضیه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	زولگی	کشیدگی
۱	۴/۴۱	۰/۵۹	۱/۸۰	۵	-۱/۴۷	۲/۹۹	۲-۳	۴/۲۸	۰/۶۵	۱/۷۵	۵	-۰/۸۸	۰/۵۹
۱-۱	۴/۶۴	۰/۶۶	۱	۵	-۲/۲۶	۶/۲۰	۳-۳	۳/۹۸	۰/۶۴	۲	۵	-۰/۳۷	-۰/۳۳
۲-۱	۴/۶۰	۰/۶۶	۲	۵	-۱/۷۶	۳/۱۵	۴-۳	۴/۲۴	۰/۷۱	۱/۲۰	۵	-۰/۸۷	۰/۶۰
۳-۱	۴/۳۵	۰/۸۷	۱	۵	-۱/۴۴	۱/۸۵	۵-۳	۳/۹۶	۰/۷۷	۱/۵۰	۵	-۰/۵۴	-۰/۰۵
۴-۱	۴/۲۸	۰/۸۶	۱	۵	-۱/۱۵	۰/۹۱	۶-۳	۴/۲۸	۰/۶۳	۱/۶۷	۵	-۱/۰۵	۱/۱۵
۵-۱	۴/۲۲	۰/۹۲	۱	۵	-۱/۱۷	۱/۰۶	۴	۴/۱۰	۰/۶۷	۱/۱۴	۵	-۱/۱۱	۱/۸۱
۲	۴/۲۸	۰/۵۷	۱/۸۲	۵	-۱/۱۸	۲/۰۳	۱-۴	۳/۹۲	۱/۰۰	۱	۵	-۰/۷۲	-۰/۰۵
۱-۲	۴/۲۷	۰/۸۵	۱	۵	-۱/۱۶	۱/۲۶	۲-۴	۴/۳۱	۰/۸۷	۱	۵	-۱/۳۰	۱/۴۷
۲-۲	۴/۳۸	۰/۹۱	۱	۵	-۱/۴۷	۱/۷۴	۳-۴	۴/۱۷	۰/۸۲	۱	۵	-۰/۷۷	۰/۲۸
۳-۲	۴/۲۴	۰/۹۴	۱	۵	-۱/۱۳	۰/۷۷	۴-۴	۴/۰۰	۰/۹۰	۱	۵	-۰/۷۱	۰/۳۳
۴-۲	۴/۱۵	۰/۹۰	۱	۵	-۱/۱۹	۱/۷۶	۵-۴	۴/۰۳	۰/۹۵	۱	۵	-۰/۸۴	۰/۲۶
۵-۲	۴/۴۵	۰/۸۱	۲	۵	-۱/۳۵	۰/۹۴	۶-۴	۴/۲۳	۰/۸۸	۱	۵	-۰/۹۶	۰/۲۹
۶-۲	۴/۲۹	۰/۸۸	۱	۵	-۱/۲۹	۱/۶۱	۷-۴	۴/۰۵	۰/۹۹	۱	۵	-۱/۰۵	۰/۷۹
۷-۲	۴/۱۳	۰/۹۷	۱	۵	-۱/۰۴	۰/۷۴	۵	۳/۹۸	۰/۷۳	۱	۵	-۰/۸۵	۱/۲۳
۸-۲	۴/۴۶	۰/۸۱	۲	۵	-۱/۴۱	۱/۱۴	۱-۵	۴/۳۵	۰/۷۸	۱	۵	-۱/۲۱	۱/۵۲
۹-۲	۴/۰۹	۰/۹۹	۱	۵	-۱/۰۵	۰/۶۷	۲-۵	۳/۸۹	۰/۹۹	۱	۵	-۰/۶۲	-۰/۱۸
۱۰-۲	۴/۴۹	۰/۸۲	۱	۵	-۱/۷۰	۲/۸۰	۳-۵	۳/۷۱	۱/۰۸	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۲۴
۱۱-۲	۴/۲۱	۰/۸۴	۱	۵	-۱/۰۷	۱/۱۸	۴-۵	۳/۸۹	۱/۰۳	۱	۵	-۰/۶۴	-۰/۲۴
۳	۴/۰۹	۰/۵۲	۲/۰۳	۵	-۰/۵۱	۰/۳۴	۵-۵	۳/۸۹	۱/۰۳	۱	۵	-۰/۵۴	-۰/۵۶
۱-۳	۳/۸۹	۰/۶۵	۱/۶۷	۵	-۰/۳۰	-۰/۰۵	۶-۵	۴/۱۸	۰/۹۱	۱	۵	-۱/۰۸	۰/۸۰

آمار استنباطی

جدول ۴ نتایج مربوط به آزمون کولموگروف - اسمیرنوف را نشان می‌دهد. طبق اطلاعات این جدول، داده‌های مرتبط با کلیه فرضیه‌ها و زیرفرضیه‌های پژوهش دارای معناداری کمتر از ۰/۰۵ هستند. از این رو توزیع کلیه داده‌ها غیرنرمال است.

جدول ۴. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

فرضیه	آماره	معناداری	فرضیه	آماره	معناداری	فرضیه	آماره	معناداری	فرضیه	آماره	معناداری
۱	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰	۴-۲	۰/۲۴۱	۰/۰۰۰	۲-۳	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰	۵-۴	۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
۱-۱	۰/۴۲۷	۰/۰۰۰	۵-۲	۰/۳۷۵	۰/۰۰۰	۳-۳	۰/۰۸۶	۰/۰۰۰	۶-۴	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰
۲-۱	۰/۴۰۷	۰/۰۰۰	۶-۲	۰/۳۰۲	۰/۰۰۰	۴-۳	۰/۱۴۵	۰/۰۰۰	۷-۴	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰
۳-۱	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰	۷-۲	۰/۲۶۱	۰/۰۰۰	۵-۳	۰/۱۲۹	۰/۰۰۰	۵	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰
۴-۱	۰/۲۹۰	۰/۰۰۰	۸-۲	۰/۳۷۶	۰/۰۰۰	۶-۳	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰	۱-۵	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰
۵-۱	۰/۲۸۲	۰/۰۰۰	۹-۲	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۴	۰/۱۱۹	۰/۰۰۰	۲-۵	۰/۲۱۰	۰/۰۰۰
۲	۰/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱۰-۲	۰/۳۸۶	۰/۰۰۰	۱-۴	۰/۲۲۸	۰/۰۰۰	۳-۵	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰
۱-۲	۰/۲۸۵	۰/۰۰۰	۱۱-۲	۰/۲۵۰	۰/۰۰۰	۲-۴	۰/۳۰۷	۰/۰۰۰	۴-۵	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰
۲-۲	۰/۳۵۹	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۶۲	۰/۰۳۹	۳-۴	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	۵-۵	۰/۲۱۶	۰/۰۰۰
۳-۲	۰/۳۰۴	۰/۰۰۰	۱-۳	۰/۰۷۷	۰/۰۰۳	۴-۴	۰/۲۲۶	۰/۰۰۰	۶-۵	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰

بر مبنای توزیع داده‌های غیرنرمال، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون (هولاندر و همکاران^۱، ۲۰۱۴) مورد آزمون قرار گرفت و با استفاده از آزمون فریدمن (آلو و یو^۲، ۲۰۱۴) رتبه بندی شدند. جدول ۵ نتایج مربوط به این آزمون‌ها را نشان می‌دهد. طبق نتایج حاصل از آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون، هر پنج فرضیه اصلی و زیرفرضیه‌های آن‌ها معنادار (۰/۰۰۰) بوده و چون در تمامی آماره استاندارد آزمون مثبت می‌باشد، از این‌رو هیچ یک از فرضیه‌های اصلی و زیرفرضیه‌های آن‌ها رد نمی‌شوند. بدین ترتیب کل الگوی پیشنهادی پژوهش را به صورت تجربی نمی‌توان رد کرد.

همچنین بر مبنای نتایج آزمون فریدمن در رابطه فرضیه‌های اصلی پژوهش، ترتیب اهمیت هر یک از ابعاد الگو عبارت است از: ۱. اهداف، ۲. ویژگی‌های کیفی، ۳. اطلاعات آینده‌نگرانه، ۴. عناصر محتوایی و ۵. اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت. در رابطه با بعد اهداف، ترتیب اهمیت اهداف ارائه گزارش تفسیری مدیریت بر مبنای نتایج آزمون فریدمن عبارت است از: ۱. درک بهتر وضعیت ترسیم شده در صورت‌های مالی، ۲. درک بهتر عملکرد ترسیم شده در صورت‌های مالی، ۳. شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در ایجاد ارزش در همه افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت و درازمدت)، ۴. شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در تولید جریان‌های نقد در همه افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت و درازمدت) و ۵. ارزیابی مباشرت مدیریت نسبت به منابع اقتصادی شرکت. در رابطه با بعد ویژگی‌های کیفی، ترتیب اهمیت ویژگی‌های کیفی بر مبنای آزمون فریدمن عبارت است از: ۱. به موقع بودن، ۲. قابل فهم بودن، ۳. ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، ۴. بی‌طرفی، ۵. اهمیت، ۶. عاری از خطا بودن، ۷. کامل بودن، ۸. انسجام توصیفی، ۹. قابل مقایسه بودن، ۱۰. ارزش تأییدکنندگی و ۱۱. قابلیت راستی‌آزمایی. در رابطه با عناصر محتوایی گزارش تفسیری مدیریت، ترتیب

1. Hollander et al.

2. Alvo & YU

اهمیت این عناصر بر مبنای آزمون فریدمن عبارت است از: ۱. استراتژی و اهداف، ۲. وضعیت و عملکرد، ۳. ریسک‌ها و مدیریت ریسک، ۴. منابع و روابط، ۵. محیط برون سازمانی و ۶. الگوی کسب‌وکار. در رابطه با اطلاعات آینده‌نگرانه، ترتیب اهمیت هر یک از اصول آن بر مبنای آزمون فریدمن عبارت است از: ۱. ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه به شکل کمی، ۲. بیان انحراف از انتظارات و پیش‌بینی‌های دوره‌های قبلی، ۳. بیان مفروضات مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه، ۴. بیان پیامدهای انحراف از انتظارات و پیش‌بینی‌های دوره‌های قبلی، ۵. بیان عدم قطعیت‌های مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه، ۶. بیان روش‌های مورد استفاده در ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه و ۷. اطلاعات آینده‌نگرانه به شکل توصیفی. در رابطه با اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت، ترتیب اهمیت هر یک از این اطلاعات بر مبنای آزمون فریدمن عبارت است از: ۱. اطلاعات مرتبط با عوامل اثرگذار بر چشم‌اندازهای درازمدت شرکت، ۲. اطلاعات مرتبط با مسائل حاکمیتی شرکت، ۳. اطلاعات مرتبط با مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت، ۴. اطلاعات مرتبط با منابع نامشهود شرکت و ۵. اطلاعات مرتبط با روابط نامشهود شرکت.

جدول ۵. نتایج آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون و فریدمن

فرضیه	آماره استاندارد	سطح معناداری	نتیجه آزمون	رتبه میانگین (فریدمن)
۱	۱۲/۸۴۲	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۷۸
۲	۱۲/۷۶۱	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۳۱
۳	۱۲/۷۹۷	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۶۱
۴	۱۲/۲۰۸	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۷۷
۵	۱۱/۶۹۲	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۵۴
۱-۱	۱۳/۲۴۱	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۴۴
۲-۱	۱۳/۱۸۷	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۳۳
۳-۱	۱۲/۰۱۳	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۸۶
۴-۱	۱۱/۸۹۸	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۷۰
۵-۱	۱۱/۴۱۸	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۶۷
۱-۲	۱۱/۸۱۷	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۸۴
۲-۲	۱۱/۹۸۰	۰/۰۰۰	عدم رد	۶/۳۹
۳-۲	۱۱/۳۹۵	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۸۵
۴-۲	۱۱/۱۱۴	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۴۳
۵-۲	۱۲/۵۷۲	۰/۰۰۰	عدم رد	۶/۵۵
۶-۲	۱۱/۷۳۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۶/۰۶
۷-۲	۱۰/۷۳۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۴۹
۸-۲	۱۲/۵۹۳	۰/۰۰۰	عدم رد	۶/۶۶
۹-۲	۱۰/۵۸۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۳۴

فرضیه	آماره استاندارد	سطح معناداری	نتیجه آزمون	رتبه میانگین (فریدمن)
۱۰-۲	۱۲/۵۲۰	۰/۰۰۰	عدم رد	۶/۷۶
۱۱-۲	۱۱/۶۶۵	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۶۳
۱-۳	۱۲/۰۳۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۸۰
۲-۳	۱۲/۵۹۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۱۷
۳-۳	۱۲/۳۵۴	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۰۳
۴-۳	۱۲/۳۴۹	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۹۲
۵-۳	۱۱/۴۵۹	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۰۰
۶-۳	۱۲/۵۹۰	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۰۸
۱-۴	۹/۸۱۷	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۶۴
۲-۴	۱۱/۹۰۹	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۵۷
۳-۴	۱۱/۶۷۷	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۱۵
۴-۴	۱۰/۶۳۱	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۶۹
۵-۴	۱۰/۵۹۳	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۷۸
۶-۴	۱۱/۶۴۱	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۲۹
۷-۴	۱۰/۳۴۹	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۸۸
۱-۵	۱۲/۲۹۵	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۲۳
۲-۵	۹/۶۳۵	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۳۱
۳-۵	۷/۹۰۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۲/۹۷
۴-۵	۹/۴۴۴	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۳۲
۵-۵	۹/۶۱۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۳۲
۶-۵	۱۱/۳۹۹	۰/۰۰۰	عدم رد	۳/۸۵

بحث و نتیجه‌گیری

طبق نتایج ارائه شده در جدول ۵ مبنی بر عدم رد فرضیه ۱ و پنج زیرفرضیه آن در رابطه با بعد «اهداف» چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت و همچنین نتایج ارائه شده در همین جدول در ارتباط با رتبه‌بندی آن‌ها با استفاده از آزمون فریدمن، می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین هدف از ارائه اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت جهت بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی این است که محتوای این اطلاعات به گونه‌ای باشد که استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی را در درک بهتر وضعیت و عملکردی که توسط صورت‌های مالی شرکت‌ها (مانند صورت وضعیت مالی و صورت عملکرد) ترسیم شده، کمک کند. همچنین هدف دوم این است که محتوای اطلاعاتی این گزارش، به‌منظور شناخت عواملی که موجب ایجاد ارزش برای شرکت است و همچنین پیش‌بینی جریان‌های نقدی شرکت برای استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در همه دوره‌ها یعنی کوتاه‌مدت و درازمدت مناسب باشد. افزون‌براین، بر مبنای هدف سوم، بهتر است که این گزارش برای ارزیابی مباشرت و عملکرد مدیریت نسبت به منابع اقتصادی شرکت،

یعنی آنچه که مدیریت در گذشته عمل کرده است، سودمند واقع شود. یافته‌های این پژوهش مبنی بر اهمیت هر سه هدف با یافته‌های ردماین و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت دارد؛ اما از این جنبه که ارزیابی مباشرت مدیریت نسبت به منابع اقتصادی شرکت نسبت به دو هدف دیگر دارای اهمیت به مراتب کمتری است، بر خلاف یافته‌های ردماین و همکاران (۲۰۲۳) است که این هدف را در شرکت‌های نیوزیلندی مهم‌ترین هدف از ارائه گزارش تفسیری مدیریت دانستند. همچنین این یافته‌ها با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱) که صرفاً بر دو هدف اول و دوم تأکید دارد، مطابقت دارد. افزون‌براین، این یافته‌ها با یافته‌های حاجیان‌نژاد، پورحیدری و بهارمقدم (۱۳۹۴) در زمینه اهداف چارچوب گزارشگری غیرمالی شرکت‌ها، یافته‌های ستایش و مهتری (۱۴۰۰) در زمینه اهداف چارچوب گزارشگری یکپارچه و یافته‌های نمازی و ابراهیمی میمند (۱۴۰۰) در زمینه ارائه اهداف چارچوب جامع گزارشگری ریسک از این منظر که آن‌ها بر مفید بودن اطلاعات برای تصمیم‌گیری و ارزیابی مباشرت مدیریت تأکید دارند، مطابقت دارد.

طبق نتایج ارائه شده در جدول ۵ مبنی بر عدم رد فرضیه ۲ و یازده زیرفرضیه آن در رابطه با بعد «ویژگی‌های کیفی» چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت، توجه به هر یازده ویژگی کیفی بیان شده به بهبود کیفیت اطلاعات ارائه شده در گزارش تفسیری مدیریت جهت بهبود تصمیمات سرمایه‌گذاری استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی کمک می‌کند. اما طبق نتایج رتبه‌بندی آن‌ها با استفاده از آزمون فریدمن در همین جدول، برخی ویژگی‌ها مانند به‌موقع بودن، فهم‌پذیر بودن و ارزش پیش‌بینی‌کنندگی از اهمیت بیشتر و برخی مانند قابل مقایسه بودن، ارزش تأییدکنندگی و قابلیت راستی‌آزمایی از اهمیت کمتری برخوردارند. این یافته‌ها با ویژگی‌های کیفی بیان شده در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸ ب) که بر به‌کارگیری این ویژگی‌ها به‌منظور افزایش سودمندی اطلاعات و گزارش‌های مالی تأکید کرده است، مطابقت دارد. همچنین، این یافته‌ها با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مبنی بر اهمیت و سودمندی به‌کارگیری ویژگی‌های کیفی اهمیت، کامل بودن، توازن^۱ (معادل بی طرفی)، صحت^۲ (معادل عاری از خطا بودن)، وضوح و اختصار (معادل قابل فهم بودن)، قابل مقایسه بودن، قابلیت راستی‌آزمایی و انسجام توصیفی (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱) در هنگام ارائه گزارش تفسیری مدیریت، همخوانی دارد. افزون‌براین با ویژگی‌های کیفی توازن، قابل مقایسه بودن، صحت، به موقع بودن، اختصار و قابلیت اطمینان^۳ که در رهنمود گزارشگری پایداری (سازمان ابتکار گزارشگری جهانی، ۲۰۱۳) بیان شده و همچنین ویژگی‌های کیفی مربوط بودن، کامل بودن، قابل مقایسه بودن و بی‌طرفی که در چارچوب مفهومی حسابداری پایداری (هیئت استانداردهای حسابداری پایداری، ۲۰۱۳) بیان شده است، مطابقت دارد. در زمینه پژوهش‌های خارجی، این یافته‌ها از نظر اهمیت زیاد ویژگی به موقع بودن و اهمیت کمتر ویژگی‌های قابل مقایسه بودن و قابلیت راستی‌آزمایی با یافته‌های آلوارز و همکاران (۲۰۱۴) مطابقت دارد. همچنین، در زمینه پژوهش‌های داخلی، این یافته‌ها با

1. Balance

2. Accuracy

3. Reliability

یافته‌های حاجیان‌نژاد، پورحیدری و بهارمقدم (۱۳۹۴) در زمینه ویژگی‌های کیفی چارچوب گزارشگری غیرمالی شرکت‌ها، یافته‌های ستایش و مهتری (۱۴۰۰) در زمینه ویژگی‌های کیفی چارچوب گزارشگری یکپارچه و یافته‌های نمازی و ابراهیمی میمند (۱۴۰۰) در زمینه ویژگی‌های کیفی چارچوب جامع گزارشگری ریسک مطابقت دارد.

طبق نتایج ارائه شده در جدول ۵ مبنی بر عدم رد فرضیه ۳ و شش زیرفرضیه آن در رابطه با بعد «عناصر محتوایی» چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت، هر شش عنصر محتوایی گزارش تفسیری مدیریت که بدنه اصلی و محتوای اطلاعاتی گزارش تفسیری را شکل می‌دهند، به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در تصمیمات سرمایه‌گذاری کمک می‌کنند؛ اما طبق نتایج رتبه‌بندی آن‌ها با استفاده از آزمون فریدمن در همین جدول، ارائه اطلاعات در رابطه با «استراتژی و اهداف» و «وضعیت و عملکرد» از اهمیت نسبتاً بیشتر و در رابطه با «محیط برون سازمانی» و «الگوی کسب‌وکار» از اهمیت نسبتاً کمتری برخوردار است. یافته‌های پژوهش در رابطه با اهمیت بالاتر «استراتژی و اهداف» و «عملکرد و وضعیت» با یافته‌های ردماین و همکاران (۲۰۲۳) در شرکت‌های نیوزیلندی مطابقت دارد. از سوی دیگر، بر مبنای اطلاعات درج شده در بسیاری از پرسش‌نامه‌ها، به نظر می‌رسد که بخش «الگوی کسب‌وکار» به علت ماهیت تکراری برخی از اطلاعات آن که در صورت‌های مالی نیز موجود است، اطلاعات مفید کمتری را دارا است. یافته‌های این پژوهش در رابطه با اهمیت افشای اطلاعات در زمینه «الگوی کسب‌وکار»، با یافته‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) مبنی بر تقاضا برای افشای الگوی کسب‌وکار، یافته‌های ردماین و همکاران (۲۰۲۳) مبنی بر سودمندی افشای الگوی کسب‌وکار، یافته‌های کنسول گزارشگری مالی^۱ (۲۰۱۶) در زمینه افشای الگوی کسب‌وکار و پژوهش مهرانی، مرادی و قنبرزاده (۱۴۰۰) که با ارائه الگو بر افشای اطلاعات در زمینه الگوی کسب‌وکار تأکید دارند، مطابقت دارد. یافته‌های این پژوهش در رابطه با اهمیت افشای اطلاعات در زمینه «استراتژی و اهداف»، با یافته‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) مبنی بر تقاضا برای اطلاعات مرتبط با استراتژی شرکت، یافته‌های ردماین و همکاران (۲۰۲۳) مبنی بر سودمندی افشای استراتژی و اهداف شرکت و پژوهش بانقوج و پلنبرگ^۲ (۲۰۰۸) و موریس و ترونز^۳ (۲۰۱۸) که بر اهمیت افشای استراتژی تأکید دارند، مطابقت دارد. در رابطه با اهمیت افشای اطلاعات در زمینه «منابع و روابط» با یافته‌های ردماین، اهالای و استنت (۲۰۲۳) مبنی بر سودمندی افشای اطلاعات مربوط به منابع و روابط شرکت، پژوهش هانت و مورگان^۴ (۱۹۹۵) که بر اهمیت منابع تأکید دارند و پژوهش کووا و سال^۵ (۲۰۰۸) که بر اهمیت روابط تأکید دارند، مطابقت دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش در زمینه افشای اطلاعات در زمینه «ریسک‌ها و مدیریت ریسک» با یافته‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) مبنی بر تقاضا برای اطلاعات مرتبط با ریسک‌های شرکت، با یافته‌های میه‌کینن^۶ (۲۰۱۳)، ردماین، اهالای و استنت (۲۰۲۳) و خیام‌پور و همکاران (۱۳۹۹) مبنی بر سودمندی

1. Financial Reporting Council
2. Banghøj & Plenborg
3. Morris & Tronnes
4. Hunt & Morgan
5. Cova & Salle
6. Miihkinen

اطلاعات مربوط به ریسک‌های شرکت و پژوهش لینسلی و شریوز^۱ (۲۰۰۰)، آبراهام و شریوز^۲ (۲۰۱۴) و نمازی و ابراهیمی میمند (۱۴۰۰) که بر اهمیت افشای ریسک‌ها تأکید دارند، مطابقت دارد. در رابطه با اهمیت افشای اطلاعات در زمینه «محیط برون سازمانی»، یافته‌های این پژوهش با پژوهش رگیناتو و گوئریرو^۳ (۲۰۱۳) که بر اهمیت محیط برون سازمانی و اثرات آن بر شرکت تأکید دارد، مطابقت دارد. افزون‌براین یافته‌های پژوهش در زمینه اهمیت افشای اطلاعات در زمینه «وضعیت و عملکرد» با پژوهش‌هایی مانند بوتوسان^۴ (۱۹۹۷) و جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) و ردمان، اهالای و استنت (۲۰۲۳) که بر اهمیت افشای اینگونه اطلاعات تأکید دارند و همچنین رهنمود تهیه گزارش بحث و تحلیل مدیریت در امریکا، گزارش بررسی مالی و عملیاتی در انگلستان و گزارش مدیریتی در آلمان نیز مطابقت دارد. به گونه کلی اهمیت ارائه اطلاعات در رابطه با هر شش عنصر محتوایی، مطابق با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱) است و با رهنمود تهیه گزارش بحث و تحلیل مدیریت در کانادا (انجمن حسابداران رسمی کانادا، ۲۰۱۴) و بیانیه فعلی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه گزارش تفسیری مدیریت (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰) نیز مطابقت دارد.

ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه را می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل وجودی و ارائه گزارش تفسیری مدیریت دانست. با وجودی که ارائه این اطلاعات و برخی پیش‌بینی‌ها برای شرکت‌ها مشکل بوده و شرکت‌ها به دلایلی چون مسائل رقابتی از ارائه برخی از این نوع اطلاعات ممکن است خودداری کنند، اما توجه به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در زمینه اطلاعات آینده‌نگرانه از اهمیت زیادی برخوردار است. طبق نتایج ارائه شده در جدول ۵ مبنی بر عدم رد فرضیه ۴ و هفت زیرفرضیه آن در رابطه با بعد «اطلاعات آینده‌نگرانه» چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت، توجه به ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه و همچنین هفت اصل بیان شده در زمینه ارائه آن به ارزیابی چشم‌انداز آتی شرکت کمک می‌کند؛ و این در حالی است که نتایج پژوهش حسن و پاور^۵ (۲۰۰۹) در شرکت‌های مصری و منیسوسی^۶ (۲۰۱۳) در شرکت‌های ایتالیایی نشان می‌دهد که شرکت‌ها توجه کمی به ارائه این اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت دارند. این یافته‌ها با یافته‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) مبنی بر تقاضای بالا برای اطلاعات آینده‌نگرانه مطابقت دارد. در زمینه پژوهش‌های داخلی، این یافته‌ها با یافته‌های بشیری منش و رحمانی (۱۳۹۵) مبنی بر اهمیت اطلاعات مربوط به چشم‌انداز آتی شامل طرح‌ها و برنامه‌های آتی شرکت، یافته‌های فتوحی خانکهدانی، تفتیان و ناظمی اردکانی (۱۴۰۱) مبنی بر پیامدهای مثبت افشای اطلاعات آینده‌نگرانه، یافته‌های حاجیان‌نژاد، پورحیدری و بهارمقدم (۱۳۹۴) در زمینه اهمیت رویکرد آینده‌نگرانه در چارچوب گزارشگری غیرمالی شرکت‌ها و یافته‌های نمازی و ابراهیمی میمند (۱۴۰۰) در زمینه اهمیت بیشتر اطلاعات آینده‌نگر نسبت به گذشته‌نگر در زمان گزارشگری ریسک مطابقت دارد. همچنین طبق

1. Linsley & Shrives
2. Abraham & Shrives
3. Reginato & Guerreiro
4. Botosan
5. Hassan & Power
6. Menicucci

نتایج رتبه‌بندی آن‌ها با استفاده از آزمون فریدمن در همین جدول، اطلاعات کمی از اهمیت به مراتب بالاتری نسبت به اطلاعات توصیفی برخوردار است. این نتایج با نتایج پژوهش حسن و پاور (۲۰۰۹) مبنی بر تمایل بیشتر تحلیلگران مالی در بازار سرمایه مصر به اطلاعات کمی در مقایسه با اطلاعات غیر کمی مطابقت دارد. از سوی دیگر این موضوع ضرورت توجه بیشتر به اطلاعات آینده‌نگرانه کمی را با توجه به اینکه بر مبنای نتایج پژوهش‌ها (مانند: کلیک و کوزی^۱، ۲۰۱۸) توجه شرکت‌ها بیشتر به افشای اطلاعات آینده‌نگرانه توصیفی است تا اطلاعات آینده‌نگرانه کمی، آشکار می‌سازد.

طبق نتایج ارائه شده در جدول ۵ مبنی بر عدم رد فرضیه ۵ و شش زیرفرضیه آن در رابطه با بعد «اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت» چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت، ارائه اطلاعات مربوط به عوامل مؤثر بر چشم‌انداز درازمدت شرکت، اطلاعات حاکمیتی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اطلاعات مربوط به منابع و روابط نامشهود شرکت به تأمین نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی در جهت تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای درازمدت آن‌ها کمک می‌کند. این نتایج از نظر اهمیت و سودمندی توجه به افشای اطلاعات حاکمیتی، اجتماعی، زیست‌محیطی با نتایج بسیاری از پژوهش‌ها (مانند: جاگی و همکاران^۲، ۲۰۱۸؛ انگ، فیکرو و ویچیتساراونگ^۳، ۲۰۲۲؛ الیلی^۴، ۲۰۲۲) در این زمینه همخوانی دارد. همچنین اهمیت ارائه اطلاعات در رابطه با هر شش عامل یاد شده، مطابق با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱) است. افزون‌براین، طبق نتایج رتبه‌بندی آن‌ها با استفاده از آزمون فریدمن در همین جدول، ارائه اطلاعات مربوط به عوامل مؤثر بر چشم‌انداز درازمدت شرکت و اطلاعات حاکمیتی از اهمیت بیشتر و اطلاعات مرتبط با مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی و اطلاعات مربوط به منابع و روابط نامشهود شرکت از اهمیت به مراتب کمتری برخوردار می‌باشد. این یافته‌ها با یافته‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) مبنی بر تقاضای کمتر برای اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی با وجود هزینه بالای تهیه آن‌ها و همچنین یافته‌های ردمین، اهالای و استنت (۲۰۲۳) مبنی بر سودمندی کمتر اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی مطابقت دارد. همچنین این یافته‌ها با یافته‌های کوهن و همکاران (۲۰۱۱) مبنی بر تمایل بیشتر سرمایه‌گذاران به اطلاعات حاکمیتی در مقایسه با اطلاعات مسئولیت اجتماعی مطابقت دارد.

در مجموع بر مبنای آزمون تجربی چارچوب گزارشگری ارائه شده در بخش کیفی پژوهش، هر پنج بعد اصلی این چارچوب و تمامی زیرمقوله‌های آن‌ها، عناصر چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت ایران را تشکیل می‌دهند، اما هر یک از ابعاد و زیرمقوله‌های آن‌ها دارای اهمیت نسبی متفاوتی هستند. جدول ۶ ابعاد و زیرمقوله‌های چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری ایران و اهمیت نسبی آن‌ها را نشان می‌دهد.

1. Klic & Kuzey

2. Jaggi

3. Eng, Fikru & Vichitsarawong

4. Ellili

جدول ۶. چارچوب گزارشگری گزارش تفسیری مدیریت ایران و اهمیت نسبی زیرمقوله‌های ابعاد آن

ابعاد	زیر مقوله‌های هر یک از ابعاد	رتبه
اهداف	درک بهتر وضعیت ترسیم شده در صورت‌های مالی	۱
	درک بهتر عملکرد ترسیم شده در صورت‌های مالی	۲
	شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در ایجاد ارزش در همه افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت و درازمدت)	۴
	شناخت عوامل مؤثر بر توانایی شرکت در تولید جریان‌های نقد در همه افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت و درازمدت)	۳
	ارزیابی مباشرت مدیریت نسبت به منابع اقتصادی شرکت	۵
ویژگی‌های کیفی	کامل بودن	۷
	بی طرفی	۴
	عاری از خطا بودن	۶
	ارزش تأییدکنندگی	۱۰
	ارزش پیش‌بینی‌کنندگی	۳
	اهمیت	۵
	قابل مقایسه بودن	۹
	قابل فهم بودن	۲
	قابلیت راستی‌آزمایی	۱۱
	به موقع بودن	۱
	انسجام توصیفی	۸
عناصر محتوایی	الگوی کسب‌وکار	۶
	استراتژی و اهداف	۱
	منابع و روابط	۴
	ریسک‌ها و مدیریت ریسک	۳
	محیط برون سازمانی	۵
	وضعیت و عملکرد	۲
اطلاعات آینده‌نگرانه	اطلاعات آینده‌نگرانه به شکل توصیفی	۷
	ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه به شکل کمی	۱
	بیان مفروضات مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه	۳
	بیان عدم قطعیت‌های مرتبط با اطلاعات آینده‌نگرانه	۵
	بیان روش‌های مورد استفاده در ارائه اطلاعات آینده‌نگرانه	۶
	بیان انحراف از انتظارات و پیش‌بینی‌های دوره‌های قبلی	۲
	بیان پیامدهای انحراف از انتظارات و پیش‌بینی‌های دوره‌های قبلی	۴
اطلاعات مرتبط با موفقیت درازمدت شرکت	اطلاعات مرتبط با عوامل اثرگذار بر چشم‌اندازهای درازمدت شرکت	۱
	اطلاعات مرتبط با منابع نامشهود شرکت	۴
	اطلاعات مرتبط با روابط نامشهود شرکت	۵
	اطلاعات مرتبط با مسائل زیست‌محیطی شرکت	۳
	اطلاعات مرتبط با مسائل اجتماعی شرکت	۳
	اطلاعات مرتبط با مسائل حاکمیتی شرکت	۲

پیشنهادهای محدودیت‌ها

بر مبنای یافته‌های این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. سازمان‌ها و نهادهای ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه، مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار، از چارچوب گزارشگری ارائه‌شده به‌منظور تدوین هرگونه استاندارد یا رهنمود بومی مربوط به تهیه گزارش تفسیری مدیریت استفاده کنند.
 ۲. شرکت‌ها هنگام تهیه گزارش‌های مدیریتی مانند گزارش تفسیری مدیریت یا گزارش فعالیت هیئت مدیره، صرف‌نظر از هرگونه الزامات و ضوابط فعلی مربوط به تهیه این گزارش‌ها، تا حد امکان از چارچوب گزارشگری پیشنهادی این پژوهش، به‌منظور افزایش اثربخشی این گزارش‌ها استفاده کنند.
- همچنین برخی از پیشنهادهای برای پژوهش‌های آتی به شرح زیر است:
۱. انجام مطالعه در زمینه سایر جوانب گزارش تفسیری مدیریت، مانند الزامی (اجباری) یا غیرالزامی (اختیاری) بودن ارائه آن توسط شرکت‌ها؛ لزوم و امکان اطمینان بخشی این گزارش توسط حساب‌رسان؛ محل افشای اطلاعات آن در قالب گزارش‌های یکپارچه مالی یا گزارش جداگانه؛ مسئولیت تدوین رهنمود یا استاندارد در زمینه آن؛
 ۲. به‌کارگیری چارچوب گزارشگری پیشنهادی این پژوهش در شرکت‌ها و بررسی میزان سودمندی آن؛
 ۳. انجام مطالعه تجربی به‌شیوه پس‌رویدادی و مبتنی بر رگرسیون، به‌منظور بررسی تأثیر الزام شرکت‌ها به انتشار گزارش تفسیری مدیریت (از سال ۱۳۹۶ به بعد) بر عدم تقارن اطلاعاتی بازار سرمایه.
- موارد زیر جزء محدودیت‌هایی است که این پژوهش با آن روبه‌رو بوده است:
۱. به‌دلیل هم‌زمانی جمع‌آوری داده‌های پرسش‌نامه‌ای با محدودیت‌های همه‌گیری کرونا، این پژوهش با محدودیت در جمع‌آوری داده‌ها روبه‌رو بوده است؛ اما با صرف مدت زمان زیاد (حداقل سه ماه) و پیگیری حضوری فراوان در این مدت و جمع‌آوری بخش زیادی از داده‌ها به‌صورت آنلاین، تلاش شد تا اثر این محدودیت به حداقل ممکن رسد.
 ۲. تعدادی از نمونه آماری در بخش کمی پژوهش، از پاسخ و ارسال پرسش‌نامه خودداری کردند که در این زمینه، تلاش شد تا با ارسال پرسش‌نامه بیشتر در بین جامعه آماری پژوهش، اثر این مورد به حداقل ممکن کاهش یابد.
 ۳. با توجه به منحصر به فرد بودن این پژوهش و نبود پژوهشی مشابه آن و همچنین وجود پژوهش‌های بسیار اندک در زمینه گزارش‌های مدیریتی و به‌ویژه گزارش تفسیری مدیریت، مقایسه نتایج پژوهش به‌صورت کامل امکان‌پذیر نبود؛ با وجود این، نهایت تلاش به‌عمل آمد تا حد امکان با پژوهش‌های مرتبط مقایسه مناسبی انجام شود.

منابع

- آقای، محمدعلی و رحمانی، حلیمه (۱۳۹۲). ارائه مدلی برای ارزیابی تأثیرگذاری خصوصیات کیفی بر سودمندی گزارشگری مالی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۵(۴)، ۱۷-۴.
- برجانه، ایمان؛ رحیمیان، نظام‌الدین و باقری پرمهر، شعله (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین خصوصیات شرکت‌ها و افشای اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۱(۱)، ۳۰۲-۲۶۳.
- بشیری منش، نازنین و رحمانی، علی (۱۳۹۵). تدوین الگوی افشای اختیاری: ابزاری برای حسابداری مدیریت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵(۳)، ۴۵-۲۷.
- تفتیان، اکرم و سالاری ابرقویی، مهدی (۱۴۰۲). واکاوی محرک‌های افشای استراتژی در گزارش‌های سالانه شرکت: کاربست فراترکیب. *تحقیقات مالی*، ۲۵(۴)، ۶۱۴-۶۴۰.
- جامعه حسابداران رسمی ایران (۱۳۹۶). میزگرد حساب‌رسان و گزارش تفسیری مدیریت. *حسابدار رسمی*، ۴۰، ۶-۲۸.
- حاجیان نژاد، امین؛ پورحیدری، امید و بهارمقدم، مهدی (۱۳۹۴). بررسی مشابهت‌ها میان چارچوب قابل ارائه برای گزارشگری غیرمالی شرکت‌ها و چارچوب مفهومی حسابداری. *دانش حسابداری مالی*، ۲(۲)، ۳۲-۷.
- حاجی‌پور، بهمن؛ نظریور کاشانی، حامد و سوداگر، هاشم (۱۳۹۳). تبیین تأثیر منابع نامشهود سازمانی بر عملکرد سازمان، بررسی دانشگاه‌های دولتی کشور. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۷(۲)، ۱۱۵-۱۳۴.
- خیام‌پور، اکبر؛ خردیار، سینا؛ رضایی، فرزین و وطن پرست، محمدرضا (۱۳۹۹). ارزیابی سودمندی در تصمیم افشای اطلاعات مؤلفه‌های ریسک. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۱۱(۱)، ۴۱۹-۴۴۵.
- رضائی زارع، محمدحسین؛ عرب‌زاده، میثم؛ نمکی، علی و علی‌پور، محمد (۱۴۰۲). بررسی عوامل حاکم بر آگاهی بخشی اعلان قیمت سهام با استفاده از رویکرد دیماتل. *تحقیقات مالی*، ۲۵(۲)، ۳۴۳-۳۶۸.
- سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۶ الف). *ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران)*. تهران.
- سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۶ ب). *راهنمای به‌کارگیری ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران)*. تهران.
- سازمان حسابرسی (۱۳۹۹). موضوع محوری، گزارش تفسیری مدیریت؛ گسترش دامنه گزارشگری مالی. *حسابرس*، ۱۰۸، ۱۰-۴۳.
- ستایش، محمدحسین و مهتری، زینب (۱۴۰۰). تعیین اجزا و مؤلفه‌های گزارشگری یکپارچه با تأکید بر رویکرد تحلیل عاملی تأییدی. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۰(۲)، ۱۷۱-۲۰۳.
- کرمی، غلامرضا و صدیقی خویدک، فریده (۱۳۹۴). سطح افشا و عوامل تعیین‌کننده آن در بانک‌ها با تأکید بر سازوکارهای راهبردی شرکتی و محوریت اسلامی. *تحقیقات مالی*، ۱۷(۲)، ۳۵۷-۳۷۶.

- مسعودیان، سیدمحمد رضا؛ احدی سرکانی، سیدیوسف؛ محمودی، محمد و قویدل دوست کویی، صالح (۱۴۰۲). افشای اطلاعات آینده‌نگر بر واکنش قیمت سهام با استفاده از روش سوارا: با تأکید بر گزارشات تفسیری مدیریت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۱)، ۱۳۵-۱۴۸.
- مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و قنبرزاده، مجتبی (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد الگوی کسب‌وکار. *بورس اوراق بهادار*، ۱۴(۳)، ۸۷-۱۱۷.
- نمازی، محمد و ابراهیمی میمند، مهدی (۱۴۰۰). افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع. *دانش حسابداری*، ۱۲(۲)، ۱-۲۷.
- نمازی، محمد و خادمی، ساسان (۱۴۰۲ الف). بررسی سودمندی گزارش تفسیری مدیریت: دیدگاه استفاده‌کنندگان، تهیه‌کنندگان و نهادهای ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه. *بورس اوراق بهادار*، ۱۶(۴)، ۱۰۷-۱۴۶.
- نمازی، محمد و خادمی، ساسان (۱۴۰۲ ب). طراحی و آزمون تجربی الگوی «تعیین مصادیق افشا» در گزارش تفسیری مدیریت ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۱)، ۱۴۹-۱۹۰.
- نمازی، محمد و شوشتریان، زکیه (۱۳۷۴). بررسی کارایی بازار بورس اوراق بهادار ایران. *تحقیقات مالی*، ۲(۷)، ۸۲-۱۰۴.

References

- Abraham, S. & Shrivies, P.J. (2014). Improving the relevance of risk factor disclosure in corporate annual reports. *The British Accounting Review*, 46(1), 91-107.
- Aghaie, M., A. & Rahmani, H. (2014). Modeling the impact of the qualitative characteristics on the usefulness of the financial reporting. *Accounting and Auditing Researches*, 5(4), 4-17. (in Persian)
- Akhtaruddin, M. & Haron, H. (2010). Board ownership, audit committees' effectiveness, and corporate voluntary disclosures. *Asian Review of Accounting*, 18(3), 245-259.
- Alareeni, B. A. & Hamdan, A. (2020). ESG impact on performance of US S&P 500-listed firms. *Corporate Governance*, 20(7), 1409-1428.
- Alvarez, I., Calvo, J. A. & Mora, A. (2014). Involving academics in the accounting standard setting process, an application of the Delphi methodology to the assessment of IASB proposals. *Journal of Management & Governance*, 18(3), 765-791.
- Alvo, M. & Yu, P. L. H. (2014). *Statistical Methods for Ranking Data*. New York: Springer Publishing.
- American Institute of Certified Public Accountants. (1994). *Improving business reporting – a customer focus: meeting the information needs of investors and creditors*. <https://egrove.olemiss.edu>
- Audit Organization (2020). Management commentary; expanding the scope of financial reporting. *Hesabres*, 108, 10-43. (in Persian)

- Banghøj, J. & Plenborg, T. (2008). Value relevance of voluntary disclosure in the annual report. *Accounting and Finance*, 12(4), 159-180.
- Barjaneh, I., Rahimiain, N. & Bagheripormehr, S. (2022). Investigating the relationship between corporate characteristics and information disclosure in management commentary in firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 11(1), 263-302. (in Persian)
- Bashirimanesh, N. & Rahmani, A. (2016). Developing pattern of voluntary disclosure: the measure for management accounting. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 5(2), 27-45. (in Persian)
- Botosan, C. A. (1997). Disclosure level and the cost of equity capital. *The Accounting Review*, 72(3), 323-349.
- Canadian Institute of Chartered Accountants. (2014). *Management discussion and analysis, Guidance on preparation and disclosure*. <https://www.cpacanada.ca>
- Cohen, J., Holder-Webb, L., Nath, L. & Wood, D. (2011). Retail investors' perceptions of the decision-usefulness of economic performance, governance, and corporate social responsibility disclosures. *Behavioral Research in Accounting*, 23(1), 109-129.
- Cova, B. & Salle, R. (2008). Marketing solutions in accordance with the S-D logic: Co-creating value with customer network actors. *Industrial Marketing Management*, 37(3), 270-277.
- Depoers, F. & Jeanjean, T. (2012). Determinants of quantitative information withholding in annual reports. *European Accounting Review*, 21(1), 115-151.
- Diamond, D. & Verrecchia, R. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 46(4), 1325-1359.
- Ellili, N. O. D. (2022). Impact of ESG disclosure and financial reporting quality on investment efficiency. *Corporate Governance*, 22(5), 1094-1111.
- Eng, L. L., Fikru, M. & Vichitsarawong, T. (2022). Comparing the informativeness of sustainability disclosures versus ESG disclosure ratings. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 13(2), 494-518.
- Ernst & Young. (2021). *IASB proposes a new framework for management commentary*. https://assets.ey.com/content/dam/ey-sites/ey-com/en_gl/topics/ifrs/ey-devel-192-management-commentary-ed-june-2021.pdf
- Farrugia, W. (2023). *The significance of management commentary for individual shareholders at Maltapost plc: a survey*. [Master's dissertation, The University of Malta]. <https://www.um.edu.mt/library/oar/handle/123456789/116651>
- Financial Reporting Council. (2016). *Lab project report: Business model reporting*. <https://www.iasplus.com/en-gb/projects/frc-projects/research/financial-reporting-lab>
- Ginesti, G. & Spano, M. (2013). The impact of international accounting standards board (IASB)'s guidelines for preparing management commentary (MC): evidence from Italian listed firms. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 9(3), 305-320.

- Global Reporting Initiative. (2013). *G4 Sustainability Reporting Guidelines, Reporting Principles and Standards Disclosures*. <https://www.commmdev.org/publications>
- Guba, E. G. (1981). Criteria for assessing the trustworthiness of naturalistic inquiries. *Educational Communication and Technology Journal*, 29(2), 75-91.
- Hajiannejad, A., Pourheidari, O. & Baharmoghadam, M. (2015). An investigation of similarities between implied framework for corporate non-financial reporting and accounting conceptual framework in terms of: objectives, users and information qualitative characteristics. *Financial Accounting Knowledge*, 2(2), 7-32. (in Persian)
- Hajipour, B., Nazarpour Kashani, H. & Sodagar, H. (2015). Explaining the effect of intangible organizational resources on organizational performance in iranian institutes of higher education. *Public Management Researches*, 7(2), 115-134. (in Persian)
- Hasan Al Jawahry, B. A. W. & Edan, T. S. (2020). The impact management commentary report in reduce information asymmetries at Iraqi Stock Exchange. *International Journal of Multidisciplinary Research and Publications*, 2(12), 16–21.
- Hassan, O. & Power, D. (2009). The usefulness of accounting information: evidence from the Egyptian market. *Qualitative Research in Financial Markets*, 1(3), 125-141.
- Healey, P. M. & Palepu, K. G. (2001). Information asymmetry, corporate disclosure, and the capital markets: A review of the empirical disclosure literature. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3), 405–440.
- Hitt, M. A., Bierman, L., Shimizu, K. & Kochhar, R. (2001). Direct and moderating effects of human capital on strategy and performance in professional services firms: a resource-based perspective. *Academy of Management Journal*, 44(1), 13-28.
- Ho, S. S. & Wong, K. R. (2001). Study of the relationship between corporate governance structure and the extent of voluntary disclosure. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 10(1), 139-156.
- Hollander, M., Wolfe, D. A. & Chicken, E. (2014). *Nonparametric Statistical Methods* (3^d ed.). New Jersey: John Wiley & Sons Inc.
- Hufner, B. (2007). The SEC's MD&A: Does it meet the informational demands of investors? *Schmalenbach Business Review*, 59(1), 58-84.
- Hunt, S. D., Morgan, R. M. (1995). The comparative advantage theory of competition. *Journal of Marketing*, 59(2), 1-15.
- International Accounting Standard Board. (2005). *Discussion paper: Management commentary*. <https://www.ifrs.org/projects/2010/management-commentary-2010/comment-letters-projects/dp-management-commentary/>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2010). *IFRS practice statement management commentary: a framework for presentation*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>

- International Financial Reporting Standard Foundation. (2018a). *Introduction to the management commentary*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2018b). *Conceptual Framework for Financial Reporting*. <https://www.ifrs.org/projects/completed-projects/>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2019a). *Slide deck 2: Topics for further input*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2019b). *Slide deck 1: Agenda and introduction*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2020a). *Management commentary: Introduction to the forthcoming Exposure Draft*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2020b). *AP15A: Overview of guidance on matters affecting long-term prospects, on intangible resources and relationships and on ESG matters*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2021). *Exposure Draft: Management Commentary*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2023). *AP15A: Education Session — Comparison between Management Commentary Exposure Draft and the Integrated Reporting Framework*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- Iranian Association of Certified Public Accountant (2017). Auditors' roundtable and management commentary. *Hesabdar Rasmi*, 40, 6-28. (in Persian)
- Jaggi, B., Allini, A., Macchioni, R. & Zampella, A. (2018). Do investors find carbon information useful? Evidence from Italian firms. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 50(1), 1031–1056.
- Johansen, T. R. & Plenborg, T. (2013). Prioritising disclosures in the annual report. *Accounting and Business Research*, 43(6), 605-635.
- Karami, Gh. & Sedighi, F. (2016). Disclosure level and its determinants in banks with emphasis on corporate governance mechanisms and islamic centrality. *Financial Research Journal*, 25(4), 614-640. (in Persian)
- Khayampour, A., Kheradyar, S., Rezaei, F. & Vatanparast, M. (2020). Decision usefulness evaluation of risk factor disclosure. *Financial Engineering & Securities Management*. 11(1), 419-445. (in Persian)
- Klic, M. & Kuzey, C. (2018). Determinants of forward-looking disclosures in integrated reporting. *Managerial Auditing Journal*, 33(1)-115-144.

- Kristandl, G. & Bontis, N. (2007). The impact of voluntary disclosure on cost of equity capital estimates in a temporal setting. *Journal of Intellectual Capital* 8(4), 577-594.
- Lincoln Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. California: Sage Publications.
- Lincoln, Y. S. (1995). Emerging criteria for quality in qualitative and interpretive research. *Qualitative Inquiry*, 1(3), 275-289.
- Linsley, P. & Shrives, P. J. (2000). Risk management and reporting risk in the UK. *Journal of Risk*, 3(1), 115-129.
- Masoudian, M. R., Ahadi Sarkani, S. Y., Mahmoodi, M. & Ghavidel Doostkouhi, S. (2023). Disclosure of forwardlooking information on stock price response using the savara method: including the emphasis on management discussion and analysis (MD&A) reports. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 12(1), 135-148. (in Persian)
- Meek, G., Roberts, C. & Gray, S. (1995). Factors influencing voluntarily annual report disclosure by U.S., U.K. and continental European multinational corporations. *Journal of International Business Studies*, 26(3), 555-572.
- Mehrani, S., Moradi, M. & Ghanbarzadeh, M. (2021). Identifying financial reporting components with a business model (BM) approach. *Journal of Securities Exchange*, 14(3), 87-117. (in Persian)
- Menicucci, E. (2013). The determinants of forward-looking information in management commentary: evidence from Italian listed companies. *International Business Research*, 6(5), 30-44.
- Miihkinen, A. (2013). The usefulness of firm risk disclosures under different firm riskiness, investor-interest, and market conditions: new evidence from Finland. *Advances in Accounting*, 29(2), 312-331.
- Morris, R. D. & Tronnes, P. C. (2018). The determinants of voluntary strategy disclosure: an international comparison. *Accounting Research Journal*, 31(3), 1-28.
- Namazi, M. & Ebrahimi Meymand, M. (2021). Firms risk disclosure and reporting: a comprehensive framework. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(2), 1-27. (in Persian)
- Namazi, M. & Khademi, S. (2023). Designing and empirical testing of a model for “determining instances of disclosure” in management commentary in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 30(1), 149-190. (in Persian)
- Namazi, M. & Khademi, S. (2024). Investigating the usefulness of management commentary: the view of users, preparers, and regulators. *Journal of Securities Exchange*, 16(4), 107-146. (in Persian)
- Namazi, M. & Rezaei, Gh. R. (2016). The Effects of Earnings Quality Criteria on the Agency Costs: (Evidence from Tehran Stock Exchange Market). *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 230, 67-75.
- Namazi, M. & Shooshtarian, Z. (1995). The investigation of the efficiency of Iran's Stock Exchange. *Financial Research Journal*, 2(7&8), 82-104. (in Persian)

- Namazi, M. (1985). Theoretical developments of principal-agent employment contracts in accounting: The state of the art. *Journal of Accounting Literature*, 4, 63-113.
- Neuman, W. L. (2014). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches* (7th ed.). London: Pearson Education Limited.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (2004). *OECD principles of good governance*. <http://www.oecd.org/corporate/ca/corporategovernanceprinciples/31557724.pdf>.
- Price Waterhouse Coopers (2021). *Guide to forward-looking information- don't fear the future: communicating with confidence*. <https://www.pwc.com/gx/en/audit-services/corporate-reporting/assets/pdfs/860-global-forward-looking-guide.pdf>
- Ramazani Zare, M. H., Arabzadeh, M., Namaki, A. & Alipour, M. (2023). Investigating the factors governing the informativeness of stock prices using the dematel approach. *Financial Research Journal*, 25(2), 343-368. (in Persian)
- Redmayne, N. B., Ehalaiye, D. & Stent, W. (2023). Insights on management commentary in financial reports: the views of users, preparers and auditors. *Meditari Accountancy Research*, 31(4), 817-840.
- Reginato, L. & Guerreiro, R. (2013). Relationships between environment, culture, and management control systems. *International Journal of Organizational Analysis*, 21(2), 219-240.
- Scott, W. R. (2015). *Financial accounting theory* (7th ed.). Pearson Canada Inc.
- Seah-Tan, S. & Tarca, A. (2013). An investigation of the international comparability of management commentary reports. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=962628
- Securities and Exchange Organization (2017 a). *Rules for the preparation of management commentary (publishers accepted in Tehran Stock Exchange and Iran Fara Bourse)*. Tehran. (in Persian)
- Securities and Exchange Organization (2017 b). *Guidelines for applying the rules for the preparation of management commentary (publishers accepted in Tehran Stock Exchange and Iran Fara Bourse)*. Tehran. (in Persian)
- Setayesh, M. H. & Mehtari, M. (2022). Identification of integrated reporting parts and components emphasizing the confirmatory factor analysis approach. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 10(2), 171-203. (in Persian)
- Shenton, A. K. (2004). Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects. *Education for Information*, 22(1), 63-75.
- Sinkovics, R. R., Penz, E. & Ghauri, P. N. (2008). Enhancing the trustworthiness of qualitative research in international business. *Management International Review*, 48(6), 689-714.
- Smith, M. (2019). *Research methods in accounting* (5th ed.). Sage Publications Ltd.

- Sustainability Accounting Standards Board (2013). *Conceptual Framework of Sustainability Accounting Standards Board*. <http://www.sasb.org/wpcontent/uploads/2013/10/SASB-Conceptual-Framework-Final-Formatted-10-22-13.pdf>
- Taftiyan, A. & Salari Abarghuoi, M. (2023). Assessment of strategy disclosure drivers in annual company report: a meta-synthesis analysis. *Financial Research Journal*, 25(4), 614-640. (in Persian)
- United Nations Global Compact. (2017). *2017 United Nations global compact progress report: business solutions to sustainable development*. <https://www.unglobalcompact.org/library/5431>
- Wang, R. Y. & Strong, D. M. (1996). Voluntary forward-looking statements driven by corporate governance and their value relevance. *Journal of Management Information Systems*, 32(3), 26-49.
- Zhang, Y. & Wildemuth, B. (2009). Qualitative analysis of content. https://www.ischool.utexas.edu/~yanz/Content_analysis.pdf